

شرح مذاکرات جلسه بررسی و نقد طرح احیاء و تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی کشور

انديشكده تدبير آب ايران

بهمن ماه ۱۳۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست منابع

۱. طرح موضوع..... ۳
۲. طرح دیدگاه اندیشکده تدبیر آب ایران: آقای انوش نوری اسفندیاری..... ۱۰
۱. مقدمه..... ۴
۲. فهرست عناوین..... ۴
۳. چرا منابع آب زیرزمینی در کشور ما مهم است؟..... ۵
۴. معرفی اقدامات اندیشکده در این زمینه..... ۱۱
۵. معرفی طرح احیاء و تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی..... ۱۲
۶. طرح مسئله..... ۱۶
۷. جمع بندی..... ۲۵
۳. نظرات و دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در جلسه..... ۲۶
- آقای سید احمد علوی (مدیر اجرایی اندیشکده تدبیر آب ایران)..... ۲۶
- آقای جواد میبیدی (مدیر کل دفتر نظام‌های بهره‌برداری و حفاظت معاونت آب و آبفای وزارت نیرو)..... ۲۷
- آقای محمدعلی مصطفوی (مدیر کل دفتر حفاظت و بهره‌برداری منابع آب و امور مشترکین شرکت مدیریت منابع آب ایران)..... ۳۰
- آقای نخعی، مدیر گروه مطالعات آب زیرزمینی شرکت آب منطقه‌ای اصفهان..... ۳۳
- آقای ابراهیمی لویه، جامعه شناس و صاحب‌نظر مسائل اجتماعی..... ۳۴
- آقای حسین زراعتکار، مدیر گروه مطالعات آب زیرزمینی شرکت آب منطقه‌ای کرمان..... ۳۶
- خانم طیبه آریان (مدیر دفتر بررسی‌های اقتصادی شرکت مهتاب قدس)..... ۳۷
- آقای کاوه معصومی، پژوهشگر مسائل اجتماعی آب..... ۳۷
- آقای عزیزالله عربی (صاحب‌نظر مسائل اجتماعی)..... ۳۹
- آقای محمدابراهیم رئیسی (صاحب‌نظر مسائل اقتصادی)..... ۴۰
- آقای بحرانی (بهره‌بردار بخش خصوصی):..... ۴۱
- آقای طراوت (بخش خصوصی)..... ۴۱
- پیوست شماره یک: اسامی حاضرین در نشست..... ۵۱

طرح موضوع

تکیه‌ی بخش‌های زیادی از کشور بر منابع آب زیرزمینی از یک سو، و افت روزافزون تراز آبخوان‌ها از سویی دیگر اهمیت توجه به این بخش از منابع آب را بیش از پیش افزایش داده است. به طوری که علی‌رغم تلاش‌های وزارت نیرو طی چندین سال اخیر ذیل طرح تعادل‌بخشی منابع آب زیرزمینی، روند نزول تراز آب‌های زیرزمینی نه تنها کاهش نیافته بلکه روندی صعودی را نیز طی کرده است؛ این در حالی است که در فاز بعدی اجرای این طرح همچنان رویکردهای متمرکز و تکنوکراتی مبنای برنامه‌های تعادل‌بخشی آب‌های زیرزمینی را در وزارت نیرو تشکیل می‌دهد. اعتقاد متخصصان بر آن است که برای کنترل روند قهقراپی آب‌های زیرزمینی باید به اصلاح ساختار حکمرانی آب و مشارکت جوامع محلی توجه شود و راهکارهای اجرایی از بطن خود مسأله استخراج شود.

لذا، به دلیل تشخیص عدم تحقق اهداف طرح تعادل‌بخشی موجود، با رویکرد حاکم بر آن به عنوان تنها برنامه کشور برای بهبود و علاج‌بخشی وضعیت منابع آب زیرزمینی کشور، اندیشکده تدبیر آب ایران انجام اقدامی در این موضوع را ضروری دانست. به همین منظور، اندیشکده طی نامه‌ای در مورخ ۲۷ دی ماه ۱۳۹۳ به جناب آقای مهندس میدانی، معاون امور آب و آبیاری وزارت نیرو درخواست کرد که در یک نشست تخصصی دیدگاه‌های خود را درباره اصلاح رویه‌های جاری و پیش‌بینی شده در طرح احیاء و تعادل‌بخشی منابع آب زیرزمینی کشور با حضور مدیران ارشد ستادی و آب‌منطقه‌ای‌های مختلف به بررسی و نقد این طرح با هدف بهبود طرح پردازند. پس از موافقت مدیران ارشد طرح و دعوت از صاحب‌نظران عرصه‌های مختلف، نشست با حضور مدیران اجرایی، فعالان بخش خصوصی و بهره‌برداران آب زیرزمینی، کارشناسان علوم اجتماعی و اقتصادی در محل تاریخ ۱۴ بهمن ما ۱۳۹۳ در محل اندیشکده تدبیر آب ایران نشست با عنوان «بررسی و نقد طرح احیاء و تعادل‌بخشی منابع آب زیرزمینی» برگزار شد. لیست حاضرین در این نشست در انتهای گزارش در پیوست شماره یک آورده شده است.

در این نشست ابتدا، نظر اندیشکده در خصوص این طرح توسط مهندس انوش نوری اسفندیاری ارائه شد و در ادامه صاحب‌نظران عرصه‌های مختلف دیدگاه‌های خود را در این خصوص بیان نمودند. در ادامه شرح مذاکرات این نشست آورده شده است.

طرح دیدگاه اندیشکده تدبیر آب ایران: آقای انوش نوری اسفندیاری

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. مقدمه

از آنجایی که شعار اندیشکده تدبیر آب ایران آگاه و هوشیارسازی عموم و تصمیم‌گیرندگان است، حوزه آب زیرزمینی را نیز جزو موضوعاتی می‌داند که دغدغه‌هایی برای آن وجود دارد، ولذا مناسب دید که جلسه خاصی برای گفت و شنود درباره طرح احیا و تعادل بخشی آب زیرزمینی داشته باشیم تا انشالا بتوانیم به جمع‌بندی مناسبی برسیم. انتظار ما از این نشست این نیست که تمام مسائلی که در این زمینه وجود دارد را بیان کنیم و به توافق برسیم و روی راه‌حل‌هاش متمرکز بشویم، چرا که اولین کار قبل از ورود به جزئیات، انتخاب رویکرد هست. بنابراین بحث ما حول محور انتخاب رویکرد است و دغدغه ما این است که کماکان رویکرد مناسبی نسبت به موضوع انتخاب نشده است.

عنوان بحث من بررسی و نقد طرح احیا و تعادل بخشی آب زیرزمینی و مستندات آن که در این زمینه وجود دارد که در بحث امروز به آن اشاره می‌کنم. شیوه کار این است که موازین و معیارهایی را مطرح می‌کنم و بعد با طرح سوال و اشارات ضمنی و یا تصریحی سعی می‌کنم انتقاداتم را مطرح کنم و در جمع‌بندی مواضعم را در مورد این طرح به صورت مشخص و روشن اعلام می‌کنم.

۲. فهرست عناوین

عرایض من در چند بخش می‌آید، اول اینکه چرا آب زیرزمینی مهم است این را به عنوان نقطه شروع انتخاب می‌کنم و سپس شرح کوتاهی راجع به اقدامات اندیشکده تدبیر آب

ایران در این زمینه ارائه می‌کنم و بعد راجع به طرح تعادل بخشی توضیحاتی را از دیدگاه شخص خودم با توجه به اطلاعاتی که در دسترس است ارائه می‌دهم و بعد از آن با توجه به آن طرح مسئله می‌کنم.

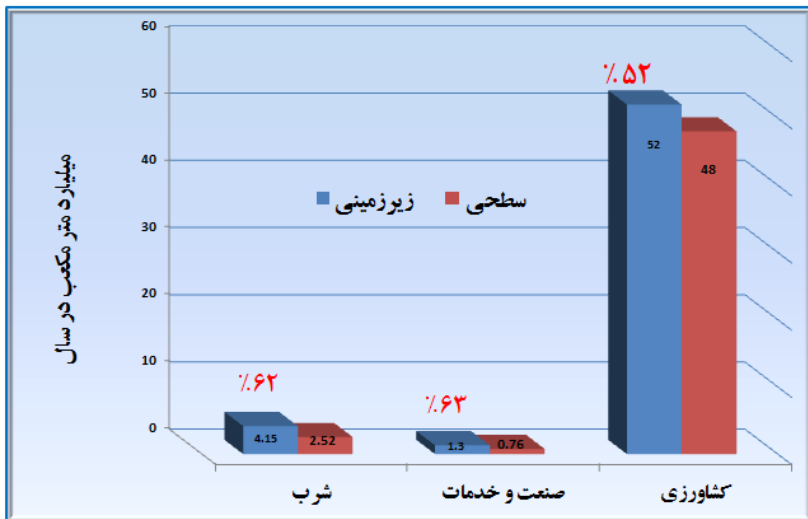
طرح مسئله ما از دیدگاه حکمرانی آب هست و از دیدگاه انگیزه‌هایی که در فعالیت‌های جمعی و همکاری‌های میان دولت و مردم باید ساری و جاری باشد و از دیدگاه جامعیت و پیوستگی که باید باشد و در انتها هم جمع‌بندی مشخصی دارد.

۳. چرا منابع آب زیرزمینی در کشور ما مهم است؟

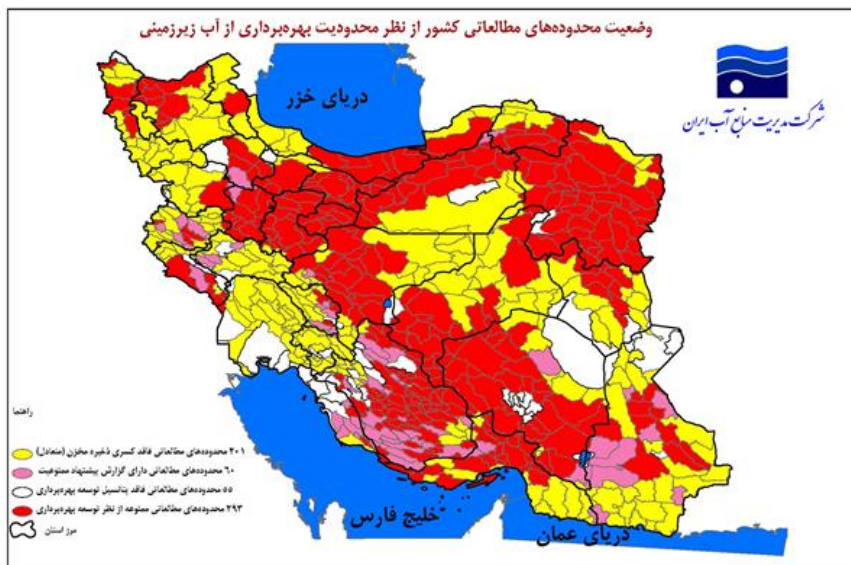
در مجموعه اسلایدهای برنامه «احیاء و تعادل بخشی آب زیرزمینی» نشان می‌دهد که حدود ۵۵ درصد از منابع آب را در سال‌های عادی از منابع آب زیرزمینی تأمین می‌شود و این در بخش کشاورزی ۵۲ درصد و در بخش‌های شرب و صنعت بیشتر از این میزان است. البته در سال‌های خشک این درصد بالاتر هست. در طرح «جامع آب در سازگاری با اقلیم» که سال ۱۳۸۰ سال پایه اطلاعاتی آن بود، این رقم به بیش از هفتاد درصد رسید. در واقع در سال‌های خشک نسبت تأمین آب از این منبع بیشتر می‌شود.



چرا بحران آب زیرزمینی مهم است



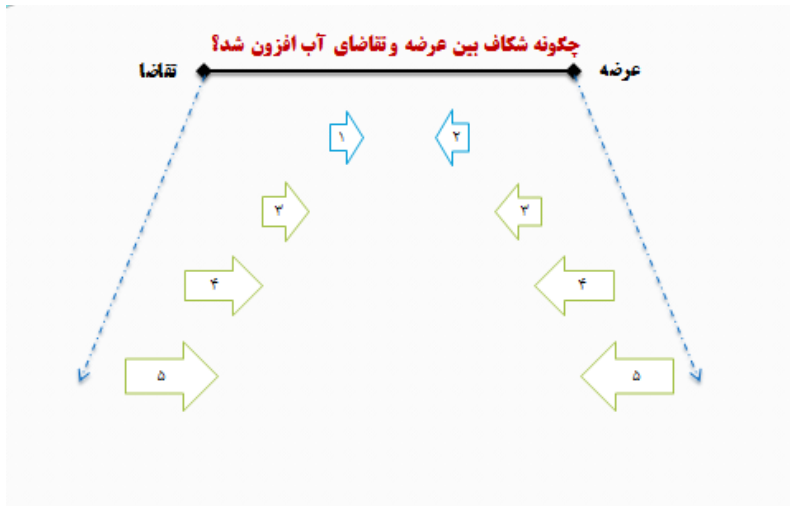
اسلاید بعدی نحوه گسترش بحران آب را در کشور نشان می‌دهد، هرچند که اعتقاد دارم که برای این ۳۰۹ دشت که بحرانی شده و به رنگ قرمز مشخص شده است، می‌شود تعداد جمعیت مستقر، ارزش زیربناها و سهم آن‌ها را در تولید ناخالص داخلی به راحتی به دست آورد، که البته عدم تهیه این نوع اطلاعات بسیار تعیین‌کننده و هشیاردهنده یکی از کاستی‌های ما هست. چرا که مدیران فکر می‌کنند که ۶۰۰ تا دشت داریم، ۳۰۰ تای آن بحرانی است، و ۳۰۰ تای دیگر باقی مانده است، و بالتبع فرض می‌شود که ۳۰۰ تا از مراکز جمعیتی و اقتصادی نیز خارج از محدوده بحرانی است. در حالی که این‌طور نیست، و این نقشه نشان می‌دهد که بیشتر جمعیت کشور و تمام مراکز جمعیتی کشور و عمده زیربناها و فعالیت‌های اقتصادی در همین محدوده بحرانی قرمز رنگ بنا شده است. این خود بیانگر این موضوع است که چرا بحران آب زیرزمینی اهمیت دارد.



آبان‌ماه ۱۳۹۲

ما صحبت از بحران آب می‌کنیم، تعاریفی که در مورد بحران آب می‌شود با تعاریفی که وزارت کشور در مورد بحران در نظر می‌گیرد فرق می‌کند، اساساً بحران آب با بحران‌های طبیعی مثل خشکسالی و حوادث غیرمترقبه مانند زلزله متفاوت است. تعاریفی که برای این بحران وجود دارد بر اساس وجود شکاف بین عرضه و تقاضا تعریف می‌شود. تکلیف ما

در طرف عرضه مشخص است، یعنی عرضه را بر اساس ذخایر متحرک آب و منابع آب تجدیدپذیر در مدیریت آب را مشخص می‌کنیم و مقدار آن مشخص است و باید با یک نسبت سنجیده‌ای از این منابع بهره‌برداری کنیم، ولی آن قسمتی که می‌تواند مشکل‌آفرین باشد تقاضا هست. این تقاضا باید میزان خودش را با منابع آب تجدیدپذیر سازگار کند و اساساً یکی از مطالعاتی که در سال ۱۳۸۰ از طرف سازمان برنامه وقت به شرکت جاماب تکلیف شد با عنوان سازگاری با اقلیم بود ذیل این تفکر که باید به سمت سازگاری برویم. در اینجا دو سؤال مطرح می‌شود که چرا اضافه برداشت‌ها از آبخوان‌ها اتفاق می‌افتد و ما همچنان تقاضاهای باقیمانده زیادی داریم؟ و چرا همچنان رشد افسارگسیخته تقاضا برای استخراج بیشتر آب زیرزمینی داریم؟



در پاسخ به این دو تا سوال مهم این جواب مقدماتی را می‌توان مطرح کرد که آیا در جامعه مکانیزم‌هایی نداریم که موجب رشد این تقاضا می‌شود و تا زمانی که با آن علت‌های اصلی اجتماعی مقابله نکنیم نمی‌توانیم جلوی رشد تقاضا را گرفته و روی تقاضا مدیریتی داشته باشیم. این مکانیزم‌ها چه هستند که باعث ایجاد چنین شکاف نهادی و ساختاری شده‌اند؟

اگر نتوانیم این شکاف را پر کنیم اضافه برداشت‌ها ادامه خواهد داشت، دست‌اندازی به حقوق دیگران همچنان ادامه‌دار، مناقشات اجتماعی بیشتر و ریسک فعالیت‌ها بیشتر

می‌شود که این موضوعات پیامدهای گسترده اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به همراه خواهد داشت. به نظر میرسد تبلیغ و قاعده‌سازی از طرح‌های طولانی انتقال آب یعنی فراتر رفتن از منابع تجدیدپذیر هر منطقه، شیرین کردن آب دریا یا واردات آب مثل ریختن بنزین بر روی تقاضاهای افسارگسیخته‌ای هست که مکانیزم‌های آن در جامعه وجود دارد و مطمئناً این سیاست موجب دامن زدن به بحران آب کشور می‌شود که خلاف عقل تاریخی این سرزمین است. به هر صورت بررسی ۵۰ سال گذشته کشور نشان می‌دهد که این شکاف سابقه طولانی دارد و طی یک شب ایجاد نشده است، بلکه در طول این سال‌هایی که طی کردیم این شکاف دائماً گسترده‌تر شده است. اصطلاحاً این نوع بحران که بحران آب را نیز شامل می‌شود با نام بحران خزنده که به تدریج ظاهر می‌شود، و چون به تدریج ظاهر می‌شود نمی‌توان یک دفعه آن را محو کرد و هیچ راه‌حل کوتاه مدتی هم ندارد. چرا که با ساختارهای اجتماعی و اقتصادی سر و کار داریم که در ادامه به بعضی از آنها اشاره می‌کنم. اینکه چرا بحران آب زیرزمینی مهم است به خاطر این است که پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بحران مهم است، ولی متأسفانه هیچ تصویر روشنی از این پیامدها نداریم، البته خیلی تلاش کردیم که اқشار مختلف را متوجه این قضایا بکنیم ولی هنوز اقدام جدی برای این موضوع ندیدیم.

در اسلایدی که به ما تحت عنوان برنامه «احیاء و تعادل‌بخشی» داده‌اند، می‌بینیم که دو تا از این اسلایدها راجع به اهم خسارات هست که به صورت پراکنده اشاره به خسارات شده است. به خشک شدن قنوت، تالاب‌ها، چشمه‌ها و رودخانه‌ها اشاره شده است و اینکه در ده سال گذشته ۴۰ درصد آبدهی منابع آب زیرزمینی کاهش یافته است، خشک شدن باغات و مزارع در حدود ۵ میلیون هکتار اراضی آبی توسط آب زیرزمینی و اینکه در سال‌های اخیر سالانه ۷ هزار هکتار از باغات پسته استان کرمان خشک می‌شود، بلااستفاده ماندن ۲۹۶ هزار کیلومتر از شبکه‌های آب و فاضلاب، افت کیفی منابع آب زیرزمینی، حرکت آب‌های شور به سمت آب‌های شیرین، نشست زمین، از بین رفتن مخازن طبیعی آبهای زیرزمینی، آسیب دیدن تجهیزات زیربنایی مستقر در دشت‌های کشور، افزایش کف شکنی و جابه‌جایی چاه‌ها که سالانه حدود ۱۲۰۰ کیلومتر کف‌شکنی در کشور انجام

می‌شود و افزایش مصرف انرژی به خاطر افزایش عمق سطح ایستابی و مهاجرت مردم و حاشیه‌نشینی در اطراف شهرهای بزرگ که منجر به بروز ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی و امنیتی خواهد شد و به خطر افتادن امنیت سیاسی کشور علاوه بر امنیت غذایی کشور. این موارد اطلاعات خیلی پراکنده‌ای هست که واقعاً برای اینکه اطلاع‌رسانی بشود و اثرگذاری داشته باشد، نمی‌توان بر روی آن حساب کرد.

جمع‌بندی من از این بخش این است که شناخت زنجیره علت - معلولی پیامدهای بحران آب زیرزمینی، و تعیین وزن و اولویت آنها برای مدیریت و برنامه‌ریزی کار خیلی مهم است و این نه در پایان کار که باید در شروع و ابتدای کار مشخص بشود، چرا که نمی‌توانیم همه کارها را در همه مناطق به صورت یکسان انجام بدهیم. بلکه باید بر اساس وضعیت و اولویت‌ها در هر منطقه و بر اساس پیامدها و مدیریت بر اساس پیامدها باید حرکت کنیم.

مقاله‌ای که در مورد پایداری آب زیرزمینی منتشر کردیم با این دیدگاه است که برداشت‌ها باید با توجه به پیامدها کنترل و مدیریت بشود، که این موضوع خیلی مهم است. به‌طور مثال نقشه‌ای را می‌بینید که بر اساس اطلاعات است که در سال ۱۳۸۴ توسط سازمان زمین شناسی در مورد نشست زمین تهیه شده است.



میزان بیشینه نرخ فرونشست زمین در تعدادی از دشت‌های کشور تا سال ۱۳۸۷

دشت مشهد، نیشابور، کاشمر، گلپایگان، ساوجبلاغ و دشت تهران که این دشت تهران اخیراً رقم ۳۰ سانتیمتر بوده که در سال ۸۴ در حدود ۱۷ سانتیمتر بوده ولی الان شتابش بیشتر شده است. من طی صحبتی که با سازمان زمین‌شناسی داشتم، اشاره داشتند که زمانی که این نقشه تهیه می‌شد تأثیر فرونشست بر روی ریسک زلزله جزو توجهات نبوده، ولی الان علاقه‌مند هستند که روی این موضوع کار کنند. ریسک زلزله با توجه به اینکه الان بالای ۷۰ درصد از جمعیت ما در مناطق شهری هستند و رشد جمعیت شهری ۱۳ درصد است علی‌رغم اینکه رشد جمعیت کشور زیر ۲ درصد هست، خیلی تعیین‌کننده است و اصطلاحی که یکی از متخصصین زلزله به کار برد این بود که نشست زمین مانند چکاندن ماشه برای زلزله هست.

اعتقاد من این است که بر اساس پیش‌بینی‌های تکان‌دهنده‌ای که در مورد پیامدهای بحران آب وجود دارد و برای جلوگیری از آن، تمام امکانات کشور باید بسیج باشد و برای این موضوع باید بسیج توده‌ای داشته باشیم. والا این روند که در پیش گرفتیم تدریجاً شتاب بیشتری می‌گیرد و پیامدهای گسترده و بسیار پرهزینه و بعضاً برگشت‌ناپذیر خواهد داشت.

اما در این مورد زمینه‌های خوبی به لحاظ ذهنی در جامعه ما وجود ندارد:

- ممکن است گفته شود که این تحلیل‌ها کامل نیست که واقعاً هم کامل نیست، چرا که پیامدها زنجیره‌ای و خوشه‌ای است. یعنی وقتی راجع به فرونشست صحبت می‌کنیم این فرونشست موجب یک سری پیامدهای بعدی می‌شود که این‌ها باید حسب شرایط واقعی مشخص شود و بعد هر کدام مجدداً شاخه‌ها و عوامل مختلف دارد.
- ممکن است گفته شود انعکاس این اطلاعات از لحاظ سیاسی به صلاح نیست مخصوصاً در بحث ریسک زلزله.
- ممکن است گفته شود که راه‌ها و ابزارهای مناسب برای اطلاع‌رسانی در دسترس نیست. ممکن است گفته شود که انعکاس اطلاعات بدون راه‌حل‌های مشخص از نظر اجتماعی به صلاح نیست.

- ممکن است گفته شود که داشتن اطلاعات به تنهایی موجب حرکت و همیاری همگانی نمی‌شود.

ولی با تمام این گفته‌ها، راجع به موضوع هیچ نوع حرکتی نداریم و وقتی که از دوستان دعوت می‌کنیم که این گفته‌ها را به گفتگو بگذاریم پرهیز کرده و فرار از جلسات و عدم شرکت در جلسات اتفاق می‌افتد، بنابراین در مورد اهمیت بحران آب زیرزمینی، پیش‌بینی پیامدها و نحوه اطلاع‌رسانی آن و بحث در مورد اقدامات بعدی از مسائلی است که باید در این طرح مورد توجه قرار بگیرد.

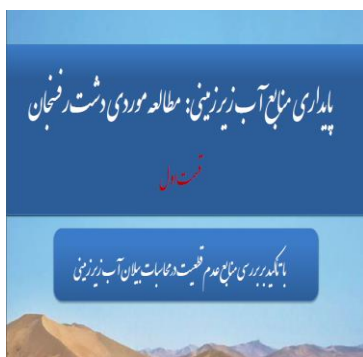
۴. معرفی اقدامات اندیشکده در این زمینه

شعار اندیشکده تدبیر آب ایران اطلاع‌رسانی و هشیارسازی است و در این حوزه به عنوان یک تشکل به اندازه وسع خودش تلاش کرده که حوزه آب زیرزمینی را انتخاب کند و در این اقداماتی را انجام بدهد و در این زمینه با مسئولین محترم حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی همراهی بکند. در آبان سال ۹۲ کتابچه کوچکی با عنوان آشنایی با منابع آب زیرزمینی به صورت الکترونیکی منتشر کردیم. در این مقاله تلاش شده است که اطلاعات صحیح و قابل فهم در دسترس همگان قرار بگیرد.



البته شاید مایه تأسف است که ما چنین چیزی به زبان فارسی نداشتیم، اما به هر حال این اقدام انجام شد. اقدام بعدی فصلنامه گفتگوی آب در پاییز ۹۲ بود که اختصاص به مسائل آب زیرزمینی داشت. تلاش کردیم تجربیات روز دنیا و کشور را در این مجموعه از نظر ابعاد بحران و مدیریت‌هایی که می‌شود به اطلاع عموم برسانیم.

اقدام بعدی انتشار قسمت اول مطالعه‌ای است که بر روی پایداری منابع آب زیرزمینی

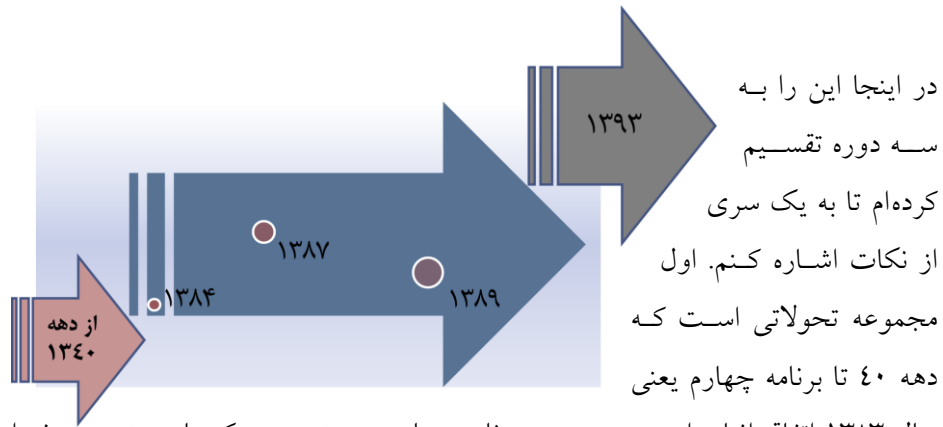


دشت رفسنجان انجام شده است. این مطالعه با تاکید بر بررسی منابع آب و عدم قطعیت در محاسبات بیلان آب زیرزمینی است و رویکردی که به پایداری دارد با توجه به پیامدها است و مدیریت بر اساس پیامدها است نه مشخص کردن آب استاتیک و منابع آب دینامیک و اینکه یک درصد مشخصی از آب دینامیک را برداریم. البته این یک رویکرد جدیدی است که در

تراز جهانی هست و انشالا به آن توجه کنیم. حدود دو سال هست که بر روی مقاله‌ای در مورد تاریخچه حقوق آب زیرزمینی کار می‌کنیم که امیدواریم به زودی آن را منتشر کنیم چرا که احساس می‌کنیم شدیداً جای آن خالی است و اعتراضات گسترده‌ای در سطح جامعه در این زمینه داریم که توسط مسئولین به سکوت برگزار شده است ولی بسیار جدی و عمیق است. در این مقاله تحولات حقوقی مالکیت آب زیرزمینی در یک دوره ۵۰ ساله مورد توجه قرار گرفته است. دو مقاله هم در مورد حکمرانی است که مستقیماً برای آب زیرزمینی نیست ولی برای تحلیل امروز از آن استفاده می‌کنم.

۵. معرفی طرح احیاء و تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی

واما؛ در مورد برنامه «احیاء و تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی» باید اشاره کنم که این موضوع یک ریشه ۵۰ ساله دارد. یعنی ما از دهه ۱۳۴۰ تا امروز درگیر این موضوع هستیم و این موضوع از برخی از جنبه‌ها موضوع جدیدی نیست. به همین لحاظ می‌توانیم از تجربیات و از سوابق بسیار درس‌اندوزی کنیم و بر اساس آنها برنامه را اصلاح و تنظیم کنیم. اما متأسفانه تجربیات در وجوه مختلف این دوره ۵۰ ساله مدون نشده است و اساساً رسم ادارات دولتی از جمله وزارت نیرو این نیست که اهمیت یا بهایی به مدون کردن تجربیات نهادی در زمینه‌های مختلف از جمله در این زمینه مهم دهد که به بحران آب زیرزمینی ارتباط دارد و راه‌کارهایی که از دهه ۱۳۴۰ درگیر آن بوده‌ایم.



سال ۱۳۸۳ اتفاق افتاده است. دوم دوره برنامه چهارم به بعد هست که ما چند فراز در آن داریم تا به برنامه پنجم و بعد برنامه ششم و بحث برنامه احیاء و تعادل‌بخشی که عمدتاً متمرکز است اهداف آن به سال ۱۳۹۳ به بعد. ولی اینها را نباید از هم جدا در نظر گرفت چرا که ادامه یک روند است.

در دهه ۱۳۴۰ به بعد ما سه فراز مهم داریم یکی تحول تکنولوژیک و ورود چاه‌های عمیق است که اتفاق افتاده، دومین تحول تغییر حقوق آب است و گسترش حقوق عمومی در زمینه آب که قانون آب و نحوه ملی کردن آن در واقع خاتمه داد به قوانین حقوق خصوصی که تحت عنوان قانون مدنی در مورد آب داشتیم، و بعد با قانون توزیع عادلانه آب این موضوع تکمیل شد و ادامه پیدا کرد. سومین تحول هم اثر انقلاب اسلامی که پیامدش این بود که در دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ موجی از بهره‌برداری بی‌رویه و صدور مجوز برای احداث چاه بدون در نظر گرفتن ظرفیت آبخوان‌ها گسترش پیدا کرد.

و اما آغاز مرحله دوم؛ قبل از برنامه چهارم مصوبه هیئت وزیران به عنوان استراتژی‌های اجرایی سیاست‌های کلان آب پیرو تصویب سیاست‌های کلان مصوب سال ۱۳۷۹ را داریم که آن مصوبه منشأ یک سری مصوبات در برنامه چهارم توسعه شد و منجر به این شد که طرح‌های تعادل‌بخشی از حالت بودجه جاری در بیاید و ردیف بودجه در طرح‌های تملک سرمایه‌گذاری داشته باشد. در سال ۱۳۸۷ مصوبه‌ای در هیئت دولت داریم برای تعادل‌بخشی که نکات خوبی را مورد توجه قرار می‌دهد اما در سال ۱۳۸۹ تصویب یک قانون تحت عنوان تعیین تکلیف چاه‌های غیرمجاز داریم. این قانون موجب لغو شدن و سست شدن فعالیت‌ها می‌شود و بعد از آن طرح فدک و در نهایت می‌رسیم به یک دوره

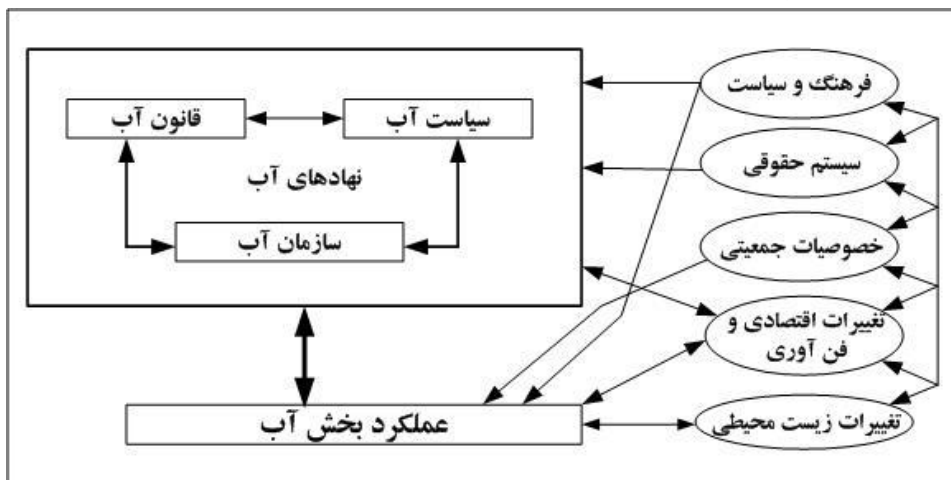
بلا تکلیفی و کم کردن اعتبارات طرح تعادل بخشی و دوباره خشکسالی و فشار دوباره به منابع آب زیرزمینی و بروز پیامدهای گسترده و وضوح بیشتر آن، تا اینکه شورای عالی آب در تعامل با همکاران مدیریت آب مصوبه‌ای را می‌گذراند که منجر به ایجاد روحیه جدید در دست‌اندرکاران حفاظت و بهره‌برداری از آب زیرزمینی می‌شود، که منتج به این طرح جدید احیاء و تعادل بخشی می‌شود که مقرر شده است از سال ۱۳۹۴ آغاز گردد.

دوستان اگر بخواهند این برنامه را توضیح بدهند حتماً ابتدا به دلایلی که این شرایط را به وجود آورده است، اشاره خواهند کرد. همان‌طور که لازم است که برای هر کاری ارزیابی از وضع موجود صورت بگیرد و اینکه چرا این شرایط به وجود آمده تا برنامه را مطابق با آن دلایل تنظیم کنیم. اسلایدی هم دوستان تهیه کرده‌اند که این دلایل در آن آمده است. به دلایل مختلف اشاره شده است:

- فقدان حکمرانی موثر در مدیریت منابع آب زیرزمینی
- احداث سدهای مخزنی بیش از پتانسیل منابع آب حوضه‌های آبریز
- عدم تحقق برنامه‌های وزارت نیرو در بخش آب زیرزمینی به دلیل محدودیت‌های منابع مالی
- عدم توجه جدی و موثر به شکل‌گیری و تقویت تشکلهای آب بران و استفاده بهینه از آنها
- تصویب و ابلاغ قانون تعیین تکلیف چاههای فاقد پروانه بهره‌برداری در سال ۱۳۸۹
- تصویب طرح توسعه کشاورزی در سال‌های گذشته
- عدم مطالعه اثر احداث سدها بر منابع آب زیرزمینی
- افزایش سطح زیرکشت بیش از پتانسیل منابع آب زیرزمینی
- پایین بودن بهره‌وری منابع آب در بخش‌های مصرف‌بویژه کشاورزی

به نظر من می‌رسد این دلایل که اشاره شده است دلایلی است که در یک جلسه و فوری تهیه شده است. در حالی که مسائل در یک سطح نیستند و رابطه علت - معلولی این‌ها مورد توجه واقع نشده است. مسائل در سطوح مختلفی هست که ما با اولی آن خیلی موافقیم که مسئله، حکمرانی آب هست. توصیه این است که این موضوع جدی گرفته شود و اینکه بفهمیم دلایل به وجود آمدن این شرایط چه هست، چرا که در برنامه‌ریزی اثر دارد.

برای این موضوع چارچوب‌هایی هست که بهتر هست تراز خودمان را به آن چارچوب‌ها برسانیم، یکی از این چارچوب‌های معتبر جهانی که ارائه آن توسط افرادی (خانم سالس و آقای دینار) انجام شده است که تحولات ده‌ها کشور را بر اساس آن ارزیابی کرده‌اند.



این چارچوب همانطور که مشاهده می‌کنید در سمت چپ آن محیط استراتژیک و محرک‌هایی هست که روی عملکرد بخش آب تاثیرگذار هستند و در قسمت پایین عملکرد بخش آب است و در بالا سمت راست نهاد آب است که شامل سیاست، قانون و تشکیلات و سازمان است و در بیرون از بخش آب و در محیط استراتژیک آن عوامل مختلف فرهنگی، سیاسی، جمعیتی، حقوقی، تغییرات اقتصادی و فناوری و زیست‌محیطی که بر روی عملکرد بخش آب تأثیر می‌گذارد و وقتی ما دنبال علت‌یابی مسائل هستیم باید به این تحولات توجه کنیم و برای آنها چاره‌اندیشی کنیم. بنابراین توصیه این است که عوامل و شرایط خودمان را به صورت دقیق در این ۵۰ سال اخیر و با یک چارچوب تحلیلی مناسب و به صورت مستند فراهم کنیم.

ولی دوستان بر اساس همین ارزیابی کوتاه و درک از عوامل، یک برنامه ۶ ساله را از ۹۴ تا ۱۴۰۰ در نظر گرفته‌اند که بر اساس این برنامه در سال ۹۴ علاوه بر توقف افزایش کسری مخزن ۴۰۰ میلیون مترمکعب نیز از میزان برداشت‌های میانگین کاهش داده شود و این موضوع در سال ششم برنامه ۵ میلیارد مترمکعب صرفه‌جویی هدف‌گذاری شده است. برنامه ۱۵ تا پروژه دارد و این پروژه‌ها باید طبقه‌بندی شود، من به صورت مقدماتی ۷ تا از

پروژه‌ها را در دسته «بررسی نظارت، تقویت مبانی تصمیم‌گیری»، ۶ پروژه را به عنوان «پروژه اجرایی» و ۲ پروژه را در دسته «ایجاد نهاد اجتماعی» قرار داده‌ام. سه نهاد هم در این پروژه درگیر هستند. ۳ پروژه را وزارت کشاورزی مسئولیت دارد و یک پروژه هم که پهنه‌بندی فرونشست‌ها می‌باشد سازمان زمین شناسی و مابقی پروژه‌ها به عهده واحد حفاظت و بهره‌برداری وزارت نیرو هست. اعتبار در نظر گرفته شده برای سال ۹۴ حدود ۳۲۶ میلیارد تومان هست. هدف‌گذاری طرح علاوه بر تثبیت سطح آب زیرزمینی در شرایط فعلی جبران کسری مخزن هست که ما در گذشته به طور متوسط ۴,۶ میلیارد مترمکعب داشتیم که ۵۰۰ میلیون مترمکعب آن برای سال ۹۴ هست.

برنامه / طرح احیاء و تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی

هدف‌گذاری

- تثبیت سطح آب زیرزمینی در شرایط فعلی
- جبران کل کسری حجم مخزن دشت‌های دارای بیلان منفی (به طور متوسط به میزان ۴.۶ میلیارد مترمکعب در هر سال)
 - ۵۰۰ میلیارد مترمکعب برای سال ۹۴
 - باقی آن برای اهداف سال‌های برنامه ششم
 - ۸۰ درصد انسداد چاه‌های غیرمجاز و جلوگیری از اضافه برداشت چاه‌های مجاز
 - ۴ درصد تغذیه مصنوعی
 - ۵ درصد خرید چاه کشاورزی کم‌پازده (چاه‌های مجاز فعال کشاورزی)
 - ۵ درصد جایگزینی پساب با چاه‌های کشاورزی در دشت‌های ممنوعه
 - ۶ درصد آبخیزداری

۶. طرح مسئله

اما طرح مسئله برای انتخاب رویکرد؛ مسئله را از زاویه حکمرانی آب و از سه دیدگاه مطرح می‌کنم، یکی دیدگاه نظام حکمرانی آب، دوم دیدگاه تنوع انگیزه‌ها و تناسب

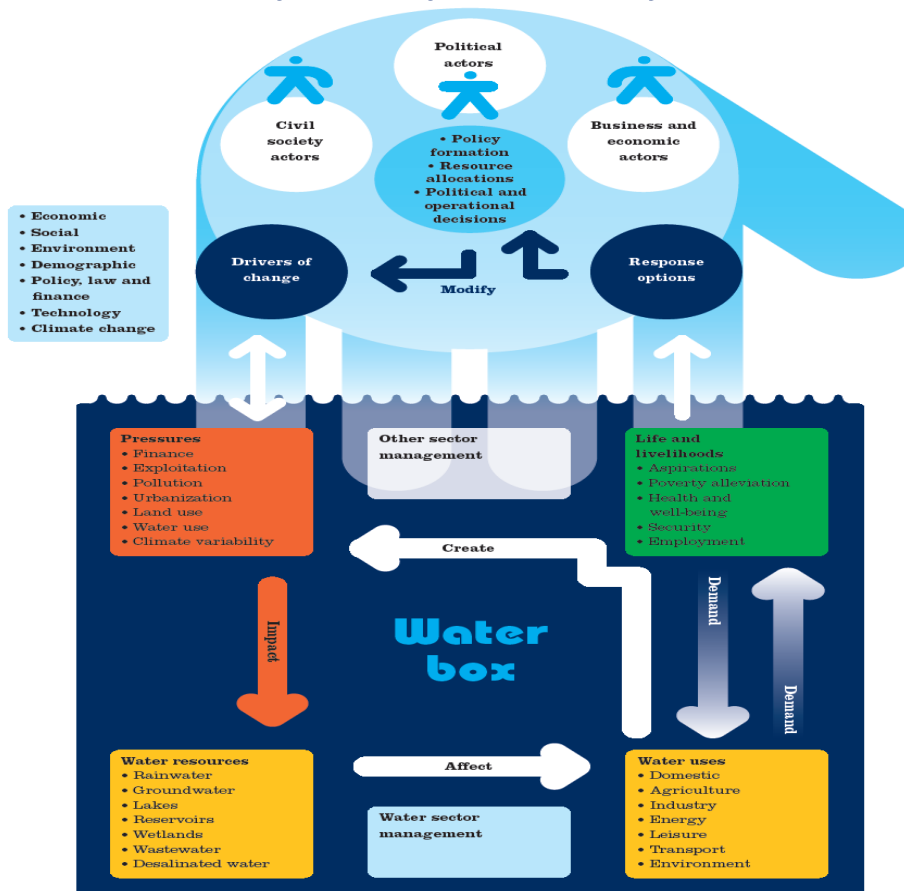
روش‌ها که زیرمجموعه بحث حکمرانی است و سوم از دید جامعیت و به هم پیوستگی که یکی از الزامات حکمرانی موثر است.

در مورد حکمرانی توجه باید روی نظام‌های اجتماعی باشد نه مدیریت آب. مدیریت آب یک زیرمجموعه از نظام‌های اجتماعی است. باید اعتراف کرد نظام‌ها بسیار فراتر از مدیریت عمل می‌کنند و مدیریت به عنوان زیرمجموعه این نظام‌ها می‌تواند اثر بگذارد. شاید نزدیک‌ترین قیاسی که به ذهن بیاید این است که مدیران مثل بازیکنان خوب فوتبال باشند که اگر در زمین خاکی که بستر و فضای فعالیت هست بازی کنند، نمی‌توانند ظرفیت‌های مدیریتی را بروز دهند. بنابراین باید توجه کرد به فضای گسترده‌تر و نظام‌های اجتماعی. این موضوع در قالب چارچوب‌های تحلیلی خوبی مورد توجه قرار گرفته است. از آن موارد چارچوبی است که در سال ۲۰۰۹ سازمان ملل بر اساس گزارش از مدیریت آب کشورها ارائه داد.

در این چارچوب دو بخش اصلی می‌بینید که یک بخش آن آبی کم‌رنگ است که به شکل دست آدم هست و قسمت پایین حوزه آب و بخش آب است. این شکل می‌خواهد اشاره کند که بیشتر نیروهایی که روی سرنوشت منابع آب تاثیر می‌گذارد در بیرون از بخش آب هست. در داخل بخش آب نیز مدیریت بخشی آب یکی از کوچکترین مؤلفه‌های فعال هست و مؤلفه‌های اثرگذار در بیرون از بخش آب هست.

در بیرون از بخش آب سه تا نقش آدم را می‌بینید که نشانگر کنشگر سیاسی، کنشگر اجتماعی و کنشگر بخش خصوصی است، که سه رکن حکمرانی را تشکیل می‌دهند. در حکمرانی موثر نحوه ارتباط این سه کنشگر به صورتی است که تصمیمات بتواند اجرا شود و به صورت موثری مدیریت آب بتواند وظایف خود را انجام دهد. ولی در یک حکمرانی که ناکارآمد است این روابط به نحوی است که کنشگر سیاسی می‌تواند خیلی از سیاست‌ها را دچار اعوجاج و اغتشاش کند.

DECISION-MAKING AFFECTING WATER



هدف از ارائه مطالب فوق این است که بدانیم حکمرانی بحث بسیار فراتر از مدیریت آب هست و مدیریت آب یک زیرمجموعه باید در نظر گرفته شود و اگر بخواهیم به آن پردازیم باید به آن مؤلفه‌هایی که در بیرون از بخش آب عمل می‌کنند توجه کرد. برای همین برنامه «احیاء و تعادل بخشی» را باید با توجه به حملات و ضد حملاتی که ممکن است بشود طراحی کرد و حتماً باید حمایت و نظارت اجتماعی داشته باشیم تا بتوانیم از این حملات حتی الامکان در امان ماند.

سؤالی که برای باز شدن مسئله مطرح می‌شود در ارتباط با نموداری است که در مجموعه اسلایدهای طرح تعادل بخشی بوده است. این نمودار نشان می‌دهد که از حجم ثابت

آبخوان‌های خودمان به تدریج چگونه استفاده کرده ایم از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۰ جمعاً ۱۱۰ میلیارد مترمکعب از این ذخایر استفاده کردیم و سال به سال از این سرمایه مصرف کرده‌ایم و البته پیامدهای آن را چشیده‌ایم.

از دیدگاه حکمرانی آب

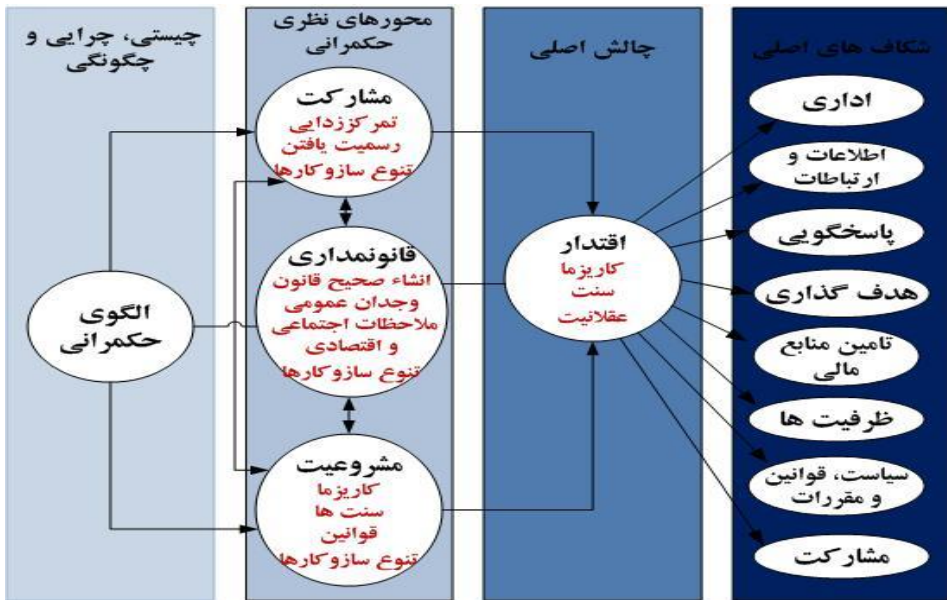


کاهش تجمعی حجم ذخیره استاتیک آبهای زیرزمینی کشور طی دوره آماری ۷۷-۱۳۷۶ لغایت ۹۱-۱۳۹۰

- چرا این روند بلاوقفه ادامه دارد علی‌رغم اینکه ما از ۱۳۴۰ برنامه‌های مختلفی برای متوقف کردن این روند داشته‌ایم؟
- آیا برنامه‌هایی که پیش‌بینی شده می‌تواند این روند را متوقف کند؟
- آقای میبیدی و همکاران ایشان چه تضمینی می‌توانند بدهند که شکل این منحنی تغییر نکند؟
- آیا در برنامه ششم قرار است روند برداشت از ذخایر ثابت ادامه داشته باشد؟
- آیا دلایل کم اثر بودن تدابیر به خوبی شناخته شده است؟
- آیا به محیط بیرونی مدیریت آب توجه شده است؟
- آیا تدابیر جدید می‌تواند این مسئله را حل کند و ما به هدف برسیم؟

ما این دغدغه را تحت عنوان اقتدار می‌شناسیم. می‌گوییم چون اقتدار نداشتیم برنامه‌های ما خاصیت نداشته است، گرچه در نوشته و در عبارات خیلی خوب بود ولی این اقتدار را در آن ندیدیم.

برای اینکه پاسخ سوالات را بدهیم طبق بحث علت‌یابی احتیاج داریم چارچوب تحلیلی داشته باشیم تا بتوانیم با استفاده از آن حوادث و وقایع را تحلیل کنیم. اندیشکده تدبیر آب ایران برای برنامه‌ریزی فعالیت‌هایش سعی کرده چارچوبی را فراهم کند تا بر اساس آن ارزیابی کوتاه از نظام حکمرانی آب کشور کند.



در این چارچوب مرکز تحلیلی ما اقتدار هست. اقتدار معمولاً بر اساس کاریزما، سنت یا عقلانیت شکل می‌گیرد، ولی تأکیدی که در جوامع امروزی می‌شود بر روی بُعد عقلانیت هست. یعنی قدرت به رسمیت شناخته شده که ساختارهای جامعه نسبت به تصمیماتی که گرفته می‌شود پذیرش دارند. این مفهوم اقتدار است که با قدرت به معنای مطلق فرق دارد. ما در مدیریت حفاظت و بهره برداری آب کشور اقتدار نداریم و این در طی ۵۰ سال گذشته آشکار شده که برنامه‌ها اجرا نمی‌شود و برای ریشه‌یابی این موضوع هشت شکاف اصلی در نظام حکمرانی کشور شناسایی کرده‌ایم که این شکاف‌ها در چندسال گذشته به

وجود نیامده است بلکه به همراه بحرانی که خزنده بوده است و مطابق آن شکل گرفته است.

- سیستم اداری،
- سیستم اطلاع‌رسانی و ارتباطات،
- نظام پاسخ‌گویی،
- نظام هدفگذاری،
- نحوه تأمین منابع مالی
- ظرفیت‌ها
- سیاست و قوانین و مقررات
- رویکرد به مشارکت

از این دیدگاه در فصلنامه شماره چهارم مقاله‌ای اختصاص دادیم به بررسی و ارزیابی برنامه تعادل بخشی در برنامه چهارم و پنجم و در آنجا ذیل یک فرازی که چگونه همکاری و همدلی جایگزین مقابله و مقاومت می‌شود پیشنهادهای خودمان را ارائه دادیم. گفتیم که این برنامه عمدتاً با مقابله و مقاومت بدنه جامعه رو به روست و با این قضیه شناسی برای پیروزی ندارد و باید تبدیل شود به همدلی و همکاری، و دلایل عدم همدلی و همکاری را گفتیم که در درجه اول باید خسارات ارزیابی بشود و نحوه جبران آنها مشخص بشود و سپس برای تأثیری که فناوری چاه‌های عمیق در مدیریت حیات می‌گذارد چاره‌اندیشی شود، و در قوانین نسبت این واقعیت که بین ذرات آب آبخوان ارتباط برقرار هست و بین آبخوان و آب سطحی، را به رسمیت بشناسیم و چاره‌اندیشی شود و به حکمرانی آب در محل توجه شود و مهم‌تر از همه، اطلاعات صحیح تولید و منتشر شود. ارزیابی ما این است که از زاویه نظام حکمرانی، باید وارد یک مرحله تغییر اجتماعی شویم. یعنی تغییر اجتماعی ناگزیر هست و ما باید برای تغییر اجتماعی برنامه داشته باشیم. برای همین برنامه تعادل بخشی بدون برنامه تغییر اجتماعی یک برنامه ناکارآمد است که تکرار گذشته خود است. برای تغییر اجتماعی ما باید خیلی وسیع‌تر از آنچه که امروز فکر می‌کنیم، فکر بکنیم. به عنوان مثال باید جامعه و ذهن جامعه را بشناسیم و ارزیابی کنیم، و برای آن برنامه

داشته باشیم. با نشست‌هایی که به صورت سلسله‌وار برگزار می‌کنیم، تماس‌های گسترده‌تری با اқشار مختلف جامعه برقرار کرده‌ایم. اعتقاد این است که عده‌ای موافق وضع موجود هستند به دلیل اینکه رانت‌های بسیار زیادی در آب زیرزمینی وجود دارد. فاصله بین ارزش حفر و بهره‌برداری چاه و قیمت چاه در بازار این را می‌گوییم رانت، این ارزش ذاتی آب نیست، این رانت برای برخی خوب است جهت اینکه منافع اقتصادی آنها را تأمین می‌کند و این‌ها چه علنی و چه غیرعلنی مدافع وضع موجود هستند. اما گروهی که خواهان تغییر وضع موجود هستند متفاوتند. گروهی از آنها طرفدار فسخ تغییرات هستند در ۵۰ سال گذشته، حتی صراحتاً می‌گویند باید برگردیم به قبل از دوره اصلاحات ارضی و گروهی هم معتقدند به تغییرات از بالا به پایین که این نیز تغییری در نظام حکمرانی ناکارآمد ایجاد نمی‌کند. بنابراین باید برنامه‌ریزی داشته باشیم برای نزدیک کردن دیدگاه‌ها و رسیدن به تفاهم و توافق. سؤال ما این است که این برنامه تفاهم و توافق کجاست؟

موضوع دیگر در بحث تغییر اجتماعی، این است که تغییرات اجتماعی برای این موضوع باید عمیق و پایدار باشد ولی گرفتاری، کم حوصلگی، راحت‌طلبی ما را به سمتی می‌برد که دنبال راه‌حل‌های کوتاه مدت، ناپایدار و ساده هستیم چرا که به اذعان همه، تغییرات عمیق و پایدار دشوارترین تغییرات هست.

آخرین نکته این است که تغییرات اجتماعی باید به نحوی باشد که اشتباهات را بپذیریم و بپذیریم که باید اصلاح کنیم و بپذیریم که باید وارد مراحل مختلف شویم که هر مرحله مقتضیات مختلفی دارد. از این نظر باید با انطباق و اصلاح سازگار باشیم. بنابراین در مسیر برنامه‌ریزی فعالیت‌ها باید موضوع تغییرات و انطباق با شرایط را اهمیت بدهیم.

موضوع و محور دوم این است که در تغییر اجتماعی یک پایه اصلی نهاد مدیریت آب است و نهاد مدیریت آب به این شکل نمی‌تواند وارد فاز تغییر اجتماعی بشود و حتماً باید بازسازی‌های لازم و مرحله‌ای در آن انجام شود تا اینکه متناسب این مأموریت بتواند عمل کند. دومین مسئله اهمیت شرایط پیرامونی و محیط استراتژیک و محرک‌هاست که باید برنامه‌ای برای کنترل فضای پیرامونی داشت که طبیعتاً این برنامه‌ها باید با حمایت و

نظارت‌های اجتماعی همراه باشد، والا همکارانی که بخواهند در مسیر این برنامه عمل کنند با تمام شرافت کارشناسی نهایتاً در مضیقه قرار می‌گیرند همان‌طور که بارها قرار گرفته‌اند. بعد دیگر کار مسئله روش‌ها در حکمرانی است که باید با توجه به انگیزه‌ها باشد. اینکه انسان یک موجود چندبعدی است همه قبول داریم ولی در عمل رعایت نمی‌کنیم، به دانشنامه‌هایی که وجود دارد مراجعه می‌کنیم، ملاحظه می‌کنیم انسان حداقل چهار رکن انگیزه‌ای دارد، انگیزه‌های اجباری، اخلاقی، پاداشی و طبیعی. انگیزه پاداشی نیز تماماً مالی نیست، مثلاً محبوب واقع شدن و پرستیژ جزو انگیزه‌های پاداشی هست. اما لایه پنهانی تری در تحولات و تغییرات اجتماعی وجود دارد که یک بعد آن آموزش است. یعنی آموزش موجب شناخت می‌شود و شناخت باعث تغییر رفتار می‌شود و بنابراین هر روشی باید حتماً به آموزش مهیا شود اگر بخواهیم با روش تغییرات عمیق اجتماعی برویم. موضوع دیگر مشارکت است. مشارک یک کارکرد چندگانه دارد، مشارکت موجب می‌شود احساس تعلق ایجاد شود، موجب یادگیری جمعی می‌شود، احساس تعلق و مالکیت موجب همبستگی می‌شود، مشارکت موجب می‌شود مفاهیم مشترک خلق شود. مفاهیم مشترک از لحاظ فرهنگی مانند ملات در حرکت‌های دسته‌جمعی ایجاد سرمایه اجتماعی می‌کند. در مورد تنوع انگیزه‌ها و تناسب روش‌ها ذیل سه گروه مکانیزم دسته‌بندی شده است که مکانیزم سلسله مراتب اداری، مکانیزم‌های اقتصادی و مکانیزم‌های فرهنگی و اجتماعی هست. بدین ترتیب تأکید ما این است که در برنامه‌ها بر روی تنوع انگیزه‌ها و تناسب روش تأکید شود، ولی در حال حاضر نظام اداری و دستوری خیلی برجسته است. در واقع بازار، مشارکت و توافق جمعی و راه‌حل‌های فرهنگی و اجتماعی که نیروی محرکه لازم برای پیشبرد حکمرانی موثر هستند، ایجاد نمی‌شود به دلیل اینکه تأکید فقط بر روی ابزارهای فنی و اداری و روش‌های سلسله مراتبی و دستوری. برای اینکه موضوع محقق شود، پیشنهاد این است که برنامه‌ها از نظر اطلاع‌رسانی غنی‌سازی شود. اطلاع‌رسانی خیلی مهم است چه جزوه‌هایی که آب زیرزمینی را آموزش می‌دهد و چه اطلاعاتی که در صدا و سیما و در روزنامه‌ها به گردش در بیاد، به‌خصوص از طریق صدا و سیما باید به صورت موثری اطلاع‌رسانی شود، برای اینکه مستمعین آن با رسانه‌های نوشتاری خیلی فاصله دارد.

باید برای ایجاد اعتماد و همدلی برنامه داشته باشیم. برنامه برای آموزش و توسعه ظرفیت‌ها، توافق و هم‌نظری، برای همکاری، برای ثبات و پایداری حقوق آب. همچنین برای کاهش هزینه‌های مبادله که شرط اصلی و مهم ایجاد نهاد بازار آب است و حل و فصل مناقشات باید برنامه داشته باشیم و چاره‌اندیشی شود و در انتها جامع‌نگری و به هم پیوستگی که موضوع بسیار مهمی است. تصویری که ملاحظه می‌کنید طرح تعادل بخشی به صورت دایره‌ای در داخل مدیریت آب زیرزمینی است و مدیریت آب زیرزمینی به صورت دایره زیرمجموعه مدیریت آب هست و مدیریت آب هم زیرمجموعه مدیریت کلان هست. انتظار این است که این به هم پیوستگی مشخص شود و جزیره‌ای عمل نشود، ولی اکنون احساس بر این است که جزیره‌ای هستند. برای اینکه جزیره‌ای نباشند باید مسائل را مستند کرد و نقشه راه داشت و اتصالات را مشخص کرد، هدف‌های مرحله‌ای را مشخص کرد، هدف‌هایی که سهل‌الوصول‌ترین در اول قرار داد، نحوه ارتباط هدف‌ها با یکدیگر را مشخص کرد، اینها باید به لحاظ تحلیلی و مستندسازی کاملاً آشکار باشد.



۷. جمع بندی

در انتها نظرات صریحی که دارم را ارائه می‌کنم:

- ارزیابی ما این است که مستندسازی کار نسبت به این کار عظیمی که هست بسیار مختصر هست. ارزیابی از عملکرد گذشته ناکافی است. به نظر می‌آید از اظهارنظرهای محدود کارشناسان برای برنامه‌ریزی استفاده شده است. یعنی در بهترین حالت نشست‌هایی با دست‌اندرکاران و کارشناسان محلی برگزار کردید و سعی شده است در جمع کارشناسی جمع‌بندی داشته باشید که البته در حال به روزرسانی و بهتر شدن هست. ولی تداوم این رویه امیدواری ایجاد نمی‌کند، باید در این رویه تغییر اساسی بدهید و روش برنامه‌ریزی را یک روش معتبر و ارزشمندی از نظر بین‌المللی انتخاب کنید.

- چند تغییری که در برنامه نسبت به برنامه‌های چهارم و پنجم اجرا شده نشان می‌دهد که امکان تصحیح و انتخاب‌ها زیاد نبوده است و تقریباً روال همان روال گذشته است. دیدگاه اندیشکده این است که برنامه‌ها فنی و اداری‌تر شده است، متراکم‌تر و متمرکزتر شده است. چرا که در طرح قبلی در استان‌ها انجام می‌شد، اما به دلیل نارسایی‌هایی که بروز کرده در حوزه ستادی متمرکز شده است. گرچه این موضوع جلوی مقداری بی‌انطباقی‌ها را می‌گیرد و حرکت‌ها یکنواخت می‌شود، ولی مشکلات دیگری را از نظر رویکرد مشارکتی ایجاد می‌کند.

- به این موضوع واقفیم که ظرفیت‌ها واقعاً کم هست، ظرفیت‌های نهادی و انسانی کارشناسان و مدیران دست‌اندرکار برنامه‌ریزی و اجرا محدود چه در مرکز و چه در استان‌ها، و این نقص قابل توجه و جدی است و اعتقاد داریم که باید برای این موضوع حتماً باید راه‌چاره‌ای اندیشید و مطمئناً استفاده از کارشناسان و نهادهای خارجی نمی‌تواند راه‌حل اساسی باشد، بلکه فقط می‌تواند مقداری مکمل باشد ولی راه‌حل اساسی نیست.

- معتقدیم که از جامعه و گرایش‌های جامعه شناخت واقعی وجود ندارد و این خیلی به برنامه‌ریزی لطمه وارد می‌کند. تدابیری که پیش‌بینی شده است جامعه را حساس نمی‌کند،

آن هم در شرایطی که جامعه که نسبت به موضوع آب و آب زیرزمینی به هیچ وجه حساس نیست.

- مشارکت جامعه بسیار فراتر از مدیریت مصرف است. مشارکت جامعه را می‌خواهیم برای اینکه بتوانیم محیط بیرونی بخش آب را کنترل کنیم، یعنی حمایت و نظارت را از طریق عزم و نیروی لازم برای بازسازی حکمرانی داشته باشیم، و گرنه از طریق کنشگران سیاسی در تنگنانهایی که در گذشته گرفتار شدیم، مجدد گرفتار خواهیم شد.

- بنابراین برای اثربخشی سیاست‌ها روی وجوه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی باید برنامه‌ریزی شود تا تحول درونی اتفاق بیفتد و واضح است که کمک‌های خارجی نمی‌تواند این تحول درونی را ایجاد کند.

۸. نظرات و دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در جلسه

• آقای سید احمد علوی (مدیر اجرایی اندیشکده تدبیر آب ایران)

خداوند می‌داند که ما آدم‌ها در حقیقت انضباط استفاده و مصرف را نداریم، برای همین منابع آب سطحی را به صورت بسته‌های یک ساله به ما تحویل می‌دهد. اما این اتفاق برای منابع آب زیرزمینی نیفتاده و یک سرمایه استراتژیک هست که بخش عظیمی از کشور وابسته این منابع است. ما اگر برگردیم به سال ۱۳۳۵ و پهنه سبز کشور را در آن سال متصور بشویم، من خوش بین نیستم که ما آن پهنه سبز را در کشور در افق سال ۱۴۱۰ بتوانیم دوباره داشته باشیم. واقعیت این است که ما بیش از ۸۰ درصد از آن پهنه سبزی خودمان را در افق ۱۴۱۰ در بخش منابع آب زیرزمینی دیگر نخواهیم داشت و این در فلات مرکزی و حتی در بسیاری از آبخوان‌های غرب زاگرس هم قابل طرح و پیگیری هست.

• آقای جواد میبدی (مدیر کل دفتر نظام‌های بهره‌برداری و حفاظت معاونت آب و آبفای وزارت نیرو)

مطالب ارائه شده نشان می‌دهد که دوستان در این زمینه مطالعات زیادی داشته‌اند و کارهای میدانی که در دنیا و تحقیقاتی که انجام شده است را ارائه کردند. با مطالبی که بیان شد ۱۰۰ درصد موافق هستم و فکر می‌کنم که دقیقا همه مواردی که آقای مهندس نوری اسفندیاری بیان داشتند باید انجام بشود، اما الان با شرایطی که ما داریم به نظر می‌رسد باید یک راه میان‌بر بزنیم، دقیقا اگر این کار بر حسب این روشی که گفته شد بخواهیم برویم ما نه تنها به نتیجه نمی‌رسیم بلکه تکان هم نمی‌توانیم بخوریم. دلایلش را هم خواهم گفت. اما من تقریبا سفر دو هفته‌ای در ژاپن داشتم و حکمرانی آب مطلوب و موثر را به عینه دیدم هرچند که اونجا آب زیرزمینی نیست، ولی فرق نمیکند به هر حال حکمرانی آب موثر فرق نمی‌کند. من را به یک سدی بردند که حدود یک ماه پیش افتتاح شده بود، از آنها سوال کردیم که چه کسانی این را افتتاح کردند، اشاره داشتند که سه نفر، یک نماینده بانک، یک نماینده کشاورزان، یک نماینده دولت. دولت ۵۱ درصد از بودجه سد را تامین کرد و مابقی توسط بانک و مردم تامین شد. بهره‌برداری آن نیز توسط آن شورای سه نفره و مردم انجام می‌شود. مطابق با یک فرایند مشارکتی. پرسیدم که ساخت این سد چقدر طول کشید؟ بیان داشتند که ۲۵ سال. ۲۰ سال مطالعات فنی و اجتماعی آن و ۵ سال احداث آن. ۲۰ سال برای اینکه می‌خواستیم هماهنگی و رضایت تمام مردم حوزه آبریز را کسب کنیم، وقت گذاشتیم. اشاره کرد که به عنوان مثال فقط ۲ سال طول کشید تا موافقت افراد و ذینفعان پایین دست این حوزه حاصل شود.

ولی چرا اونجا این کار انجام میشود ولی اینجا ما نمی‌توانیم؟ برای اینکه آنجا اعتماد بین دولت و مردم بقدری هست که اگر دولت بگوید مردم همه کفش‌ها را لنگه به لنگه بپوشاند و همه می‌پوشاند. و این موضوع بعد از جنگ جهانی دوم ۵۰ سال زمان برده تا ژاپن، امروز این شود. ولی در کشور ما این اعتماد وجود ندارد. مصداق آن موضوع یارانه‌های انرژی است که همه از مردم درخواست کردند که انصراف بدهند ولی هیچ کس انصراف نداد. مورد دیگر این است که کلیه طرح‌های توسعه‌ای که در ژاپن انجام می‌شود

بر اساس نیاز مردم و خواست مردم انجام می شود، ولی در ایران از ۵۰ سال پیش سد می‌سازیم، شبکه می‌سازیم ولی مردم به ما می‌گویند که کی گفته سد ساخته شود؟ ما که آب نمی‌خواستیم. این فقط در بخش آب نیست، در همه موضوعاتمان همین است. در رابطه با کلیه کارها بهتر است که دولت تسهیل‌گر باشد. ما اگر می‌توانستیم به این نحو عمل کنیم و مسائل را حل کنیم که تنها می‌رفتیم داخل دشت‌های مختلف و مردم را صدا می‌زدیم و می‌گفتیم که اینقدر آب بیشتر نداریم و ظرفیت منابع آب زیرزمینی ما کم شده است و چهار تا اصول کلی را به مردم می‌گفتیم و بعد برای بهره‌برداری و حفاظت آن دستورالعمل و آیین‌نامه و قانون در می‌آوردیم. ولی این کار را نمی‌توانیم انجام بدهیم. چرا نمی‌توانیم؟

من معتقدم که ما با مردم مشکل نداریم. ما با مسئولین مشکل داریم. مشکل ما با نماینده‌ها و امام‌جمعه‌ها است. چندتا مثال بزنم. در استان کرمان آقای مهندس بختیاری که خیلی کارهای خوبی در زمینه تعادل بخشی انجام داده است و بسیار از ایشان تقدیر کردیم، ایشان درخواست تامین بودجه برای احداث ۵ سد برای استان کرمان از معاون وزیر نیرو کردند. ما تعجب کردیم. در واقع این مسری است. همین الان با توجه به اینکه همه می‌دانند بحران آب هست، از مدیران عامل پرسید که اولویت شما در تخصیص بودجه چیست؟ بیان می‌کنند که احداث سد. همین الان با این همه بحرانی که داریم.

این یک فرهنگ شده است و این فرهنگ را یک دفعه نمی‌توانیم تغییر دهیم. طرح تعادل بخشی که تدوین آن در سال ۸۲ آغاز شد و سال ۸۴ تهیه شد، من فکر می‌کردم که این طرح بهترین طرح است. اما طرح حاضر که با پشتوانه تجربه ده ساله طرح قبلی و همکاری و مشورت با جهاد کشاورزی، نهادهای مردمی و اساتید دانشگاهی و خبرگان محلی تهیه شده است، هنوز من معتقدم که این ایده‌آل نیست و فقط ۵۰ درصد آن چیزی هست که می‌خواستیم. به عنوان مثال اولین چیزی که در طرح اولیه مورد توجه بود این بود که ما باید در کل کشور یک کمیسیون تعادل بخشی ملی داشته باشیم به ریاست وزیر نیرو و کلیه ذینفعان و ذی‌مدخلان در آن عضو باشند و ما تمام پروژه‌هایی که در این طرح می‌خواهیم انجام بدهیم از جمله تشکل‌های آب‌بران، مدیریت مشارکتی و بستن چاه‌های

غیرمجاز باید در این کمیسیون تصویب و نهایی شود. این کمیسیون در سطوح استانی و محلی و در نهایت هم تشکل‌ها نیز باید تشکیل شود. ولی هرکجا رفتیم مدیران گفتند که این کار را کنار بگذارید. به خاطر اینکه این فرهنگ واگذاری کار مشخص نشده است. ما در وزارت نیرو بین انجام کار ایده‌آل یا اینکه کاری انجام دهیم که دو قدم جلوتر برویم باید انتخاب می‌کردیم. به خاطر همین آمدیم با توجه به تجربه‌هایی که داشتیم این پروژه‌ها را طراحی کردیم. اولین کاری که کردیم مدیریت مشارکتی بود. مدیریت مشارکتی درست این است که اول طراحی کنید بعد بروید داخل دشت‌ها و این مدیریت را ایجاد کنید و بعد پروژه‌ها را به آنها بدهید. و بعد سایر موضوعات. ولی این اتفاق تا بیفتد حداقل ۲۰ سال زمان می‌برد، اصلاً زمینه این کار آماده نشده است.

به نظر ما باید این مسائل را هم زمان پیش ببریم، همه می‌دانند که در زمینه آب زیرزمینی و بهره‌برداری چاه هیچ‌گونه تشکلی نداریم ولی در آب سطحی، چشمه و قنات داریم. دلیلش هم این است که چاه در زمین هر فرد حفر می‌شود و اگر وضع آب خوب باشد که به هیچ وجه با همدیگر هماهنگی نمی‌کنند. الان که وضعیت کف شکنی ۱۲۰۰ کیلومتر در سال هست و کفگیر همه به ته دیگ خورده همه آمده‌اند و اظهار مشارکت کرده‌اند. حالا ما داریم چه کار می‌کنیم؟ حرفهایی آقای اسفندیاری را قبول داریم ولی این را باید از روشی میانبر برویم. ما دشت‌هایی داریم که چهار سال دیگر به سنگ کف می‌رسند دشت‌هایی داریم که ۶ سال دیگه شور می‌شود، اصلاً بحث کشاورزی نیست، الان برای آب شرب ما مشکل داریم، ۶۵۰۰ تا روستا الان با تانکر آب می‌دهیم. چرا این اتفاق افتاده است؟ برای اینکه هیچ‌کسی اعتقاد به بحث حفاظت نداشت، حتی مدیران ارشد می‌گفتند که مردم را اذیت نکنید و بگذارید مردم هرکاری می‌خواهند بکنند. این طرز فکر باعث شد که در سال ۱۳۸۵ که ۱۳۰ هزار چاه غیرمجاز داشتیم در دو سال بعدش ۱۸۰ هزار دیگر به آن اضافه شد. شرایطی پیش آمد که هیچ‌کس جرأت نداشت حرفی به مردم بزند.

طرح تعادل بخشی اصلاً ایده‌آل نبود، ولی دو سال اول روند خود را داشت طی می‌کرد. در سال اول اجرای طرح هیچ مشاور و پیمانکار در این حوزه نداشتیم. ولی الان به اندازه کافی مشاور و پیمانکار در حوزه‌های مشارکت، تشکل، گشت و بازرسی و ... داریم. الان

اولویت اول ما مدیریت مشارکتی است. ولی متأسفانه برای شروع کار یک پایلوت نداریم، الان ۶ ماه هست یک گروه ۲۰ نفره از کسانی که توی کشور در این زمینه سابقه فعالیت و تجربه داشتند را جمع کردیم تا مشخص کنیم که برای مدیریت مشارکتی چه کار باید بکنیم، راهبردهای ما چه باشد، روش‌شناسی چه باشد؟ شرح خدمات چی باشد و با هماهنگی شرکت جایکا داریم چندتا پایلوت در چند نقطه طراحی و اجرا می‌کنیم.

قرار نیست که ما همیشه گروه گشت و بازرسی داشته باشیم. همچون موضوع کمربند ایمنی، تا جریمه سنگین در جامعه وضع نشده بود هیچ کس کمربند نمی‌بست. این واقعیت جامعه ما هست. این مشارکت را که راه انداختیم، سایر امور مانند نصب کنتور و ... باید با مشارکت مردم انجام گیرد. من معتقدم که قبلاً هیچ‌گونه عزم ملی برای حفاظت نبود بلکه برعکس بود، ولی الان شرایط متفاوت شده است. الان وزیر کشاورزی موافقت کرده است که چاه‌های غیرمجاز در سطح کشور بسته شود، از ۴۲ میلیارد مصرف آب که از طریق چاه‌ها دارد برداشت قرار است ۱۱ میلیارد کم شود و وزارت کشاورزی هم موافقت و همراهی کرده است. الان شرایط در سطح استانی و محلی هم مهیا شده است. به طور مثال کشاورزان استان کرمان نزدیک به ۳ ماه است که بهره‌برداری از چاه نداشته‌اند و در حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب نسبت به پارسال کمتر برداشت اتفاق افتاده است. در واقع الان مردم به این حقیقت رسیده‌اند و هم سایر ارگان‌ها مانند قوه قضاییه و صدا و سیما و کشاورزی و نماینده‌های مجلس به این حقیقت رسیده‌اند.

• آقای محمدعلی مصطفوی (مدیر کل دفتر حفاظت و بهره‌برداری منابع

آب و امور مشترکین شرکت مدیریت منابع آب ایران)

کسری ۱۱۰ میلیارد مترمکعب مخازن آبخوان‌های کشور تایید کننده این موضوع است که فرصت نیست که خیلی صبر کنیم و راه کارهای بلندمدت را رقم بزنیم، امروزه باید یک سری راه کارهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت را رقم بزنیم و در کنار آن اهداف بلندمدت را هم مشخص کنیم. ولی در رابطه با مشکلاتی که در کشور وجود دارد از جمله بحران آب یک مدلی هست که اشاره به سه دلیل دارد. دلیل اول عدم نگرش سیستمیک و جزیره‌ای عمل کردن هست، نمونه آن اینکه علی‌رغم وجود این همه مشکلات در کشور به ما اشاره

می‌دهند که چرا اینقدر صرفه‌جویی را برجسته می‌کنید و بر آن تاکید دارید، حال آنکه فقط ۶ درصد مصارف مربوط به شرب است و مابقی جای دیگر است. ولی پاسخی که به این سوال می‌توان داد این است که جامعه مخاطب این سوال آحاد جامعه است حتی کسی که در کشاورزی وجود دارد مصرف کننده آب شرب هست. آن ۶۵۰۰ روستایی که دسترسی به آب سالم ندارند و با تانکر آبرسانی می‌شوند که حدود ۱۰ درصد روستاهای کشور است همان فرد روستایی هم علاقه‌ای به صرفه‌جویی ندارد برای اینکه باور ندارد که چه تهدیدی در پی او است. یا در دستگاه‌های مختلف، هیچ وقت وزارت نیرو تایید نمی‌کرد که شهر پردیس ساخته شود ولی ساخته می‌شود و الان دارد توسعه پیدا می‌کند اقدامات بدون نگرش سیستمی در یک مجموعه چنین شرایطی را پیش می‌آورد.

دومین مشکل سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد است که این هم بر می‌گردد به علت اول یعنی عدم نگرش سیستمی. وقتی ما صنایع آب بر را می‌بریم در وسط کویر احداث می‌کنیم و وزارت نیرو را موظف می‌کنیم که آن را تامین کند نتیجه آن این می‌شود که بین ۷ تا ۱۰ هزار هکتار از باغات پسته از بین می‌رود. امروزه که کشاورز کرمانی چاه خود را خاموش می‌کند نه به این دلیل است که به این حقیقت رسیده که آب نیست بلکه می‌خواهد جلوی نابودی خود را بگیرد چرا در مصارف شرب استان کرمان چنین نشانه‌ای را نمی‌توان مشاهده کرد و مصرف شرب استان هیچ کاهشی نداشته است. این یک شاخص خوبی است که آیا ببینیم مردم این دغدغه را دارند یا نه.

در سال ۱۳۴۷ که قانون ملی شدن آب تصویب شد، ماده ۲۳ آن دو تا تبصره دارد که تبصره ۲ می‌گوید کلیه چاه‌های غیرمجاز با حضور دادستان در محل مسدود می‌شود. زمانی که دشت‌های ممنوعه ما کمتر از ۲۵ عدد بود. یک درصد از این کسری ۱۱۰ میلیاردی آبخوانها متعلق به قبل از انقلاب است. ۹۹ درصد آن مربوط بعد از انقلاب است. برای اینکه این ماده ۲۳ در بعد از انقلاب در قانون توزیع عادلانه آب به ماده ۳ تغییر می‌کند و یک تبصره هم ذیل آن می‌آید که اشاره دارد به اینکه به تمام چاه‌های غیرمجاز پروانه داده شود. کارشناس‌های وزارت نیرو از ابتدا با این قانون مخالف بودند ولی چون قانون شد خیلی تلاش کرد که این را عملیاتی کند و بعد تلاش کرد که این را حذف کند.

تا زمانی که توانست مجلس را قانع کند این تبصره حذف شود تا سال ۸۴ بیش از ۱۵۰ هزار حلقه چاه را پروانه داده شد و تعیین تکلیف شدند.

حال چه طور می شود که در سال ۸۹ مجدد قانون گذار قانونی وضع می کند و می گوید به کلیه چاههایی که تا سال ۸۵ حفر شدند پروانه داده بشود. و امروزه می بینیم که علی رغم این موضوعات بالغ بر ۲۰۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز داریم از سال ۸۵ تا به امروز حفر شده است. این قانون گذاری ناکارآمد. لذا در بازه ۱۰ دولت پس از انقلاب کسری های مخزن را می بینیم، که بالغ بر ۸۰ درصد آن متعلق به ۴ دولت گذشته بوده است که ۴۱ درصد آن مربوط به دولت نهم و دهم بوده است. تصور بر این بود که اگر مردم را اذیت نکنیم و به هر خواسته آنها جواب بدهید کار خوبی است. فارغ از اینکه ده هزار هکتاری که در کرمان در حال خشک شدن هست در هر سال یا روستاهایی که در یزد یا سیستان و بلوچستان در حال تخلیه و مردم آن به سمت شهرهای بزرگتر در حال مهاجرت کردن هستند، بیانگر این است که اگر این شرایط ادامه پیدا کند و مهاجرت ها شکل بگیرد در کمتر از ۱۵ سال آینده در حدود ۵۲ میلیون جمعیت ایران در ۱۶ استان کلیدی کشور باید مهاجرت کنند. این ضرورتی است که باید در آن یک ورود حاکمیتی صورت بگیرد و با اقتدار ولی بهتر است با محور دانایی باشد.

لذا در ارتباط با این موضوع باید اطلاع رسانی خیلی خوب انجام شود، مردم باید آگاه بشوند. باور مردم به ارزش آب کم شده و فرهنگ مصرف آب تغییر کرده است. اگر در گذشته تاریخ ایران، کشوری که ۸۵ درصد آن در مناطق خشک است، مصرف آب عاقلانه بوده و فرهنگ مصرف درست بوده به خاطر این بود که واقعا باور داشتند که آب کم هست و به سختی به دست می آید. ولی امروزه می بینیم که قانون گذار در سال ۱۳۸۳ منابع آب زیرزمینی را برای ۹۰ درصد از مصرف کنندگان آب که سستی هستند و آب را با راندمان پایین مصرف می کنند و تولیدشان هم ۲۵ درصد نرخ متوسط مناطق خشک جهان است رایگان می کند. این دو موضوع مقوله هایی است که دست وزارت نیرو را می بندد، اگر تا دیروز یک فرد احساس مالکیت بر آب را نداشت برای اینکه می دانست باید پول پرداخت کند یعنی در طول ۶۰ سال گذشته برای آب باید پول پرداخت می کردند و برای

مصرف بهینه تلاش می‌کردند ولی در سال ۸۳ این روند را مختل شد و این پیام را صادر شد که تو کشاورز مالک آب هستی در حالی که قبل این پیام را صادر می‌شد که تو کشاورز مالک آب نیستی و آب مال مشترکات هست.

لذا با توجه به تمامی جهات، در طرح احیا ما برای ۲۱ دستگاه در سه قوه و حتی رهبری و دستگاه‌های ذیل نظر ایشان انتظاراتی تعریف کردیم و گفتیم که اگر قرار است در حفاظت منابع آب و نجات آب کشور وزارت نیرو در نوک پیکان حکمرانی حرکت کند ما این خواسته‌ها را از سایر دستگاه‌ها داریم.

نکته‌ای که خیلی ضرورت دارد اطلاع‌رسانی و آموزش‌های لازم است که مردم باید در این کار ورود پیدا کنند تا بتوانیم در این امور جلو برویم. ولی سیاست خیلی مهم است یعنی اگر قرار باشد که تمام قدرت‌ها همراهی کنند ولی سیاست در این عرصه نخواهد همراهی کند هیچ کاری اتفاق نمی‌افتد.

• آقای سید احمد علوی:

واقعیتش این است که انتظار داشتیم که آقای میبیدی و دوستانشان به دو سندی که از جانب اندیشکده به آنها ارائه شد پاسخ دهند. بر اساس اسناد، تغییر ایجاد شده در برنامه‌ها نشان می‌دهد که امکان تصحیح و اصلاح انتخاب‌ها اندک بوده و برنامه‌ها فنی و اداری و متراکم‌تر و متمرکزتر شده‌اند. یعنی سه تا نکته، اول این رویه یک رویه تکنوکراتی و فنی و اداری است و دوم رویه متمرکزتر شده است. و اینکه مشارکت جامعه تنها محدود به مدیریت مصرف در نظر گرفته شده است. درخواست داریم که عزیزان به سوالات و تاملات اندیشکده جوابگو باشند تا به یک جمع بندی داشته باشیم.

• آقای نخعی، مدیر گروه مطالعات آب زیرزمینی شرکت آب منطقه‌ای

اصفهان

در واقع من انتظار داشتم که دوستان اندیشکده بیشتر راه حل ارائه بدهند. این دردها را ما بیشتر از اینها هم می‌دانیم. بازگو کردن و دسته‌بندی آنها هم خوب هست ولی راه حل میان کلام دوستان اندیشکده کمتر بود. در بحث مشارکت انتظار داریم که کشاورزها بیایند تصدی‌گری را به عهده بگیرند. در این سالها دو تا تجربه در کشور داشتیم. یکی بحث

اجرای پایلوت‌های تشکل‌های آب‌بران و یکی هم بحث واگذاری امور حفاری چاه‌ها به انجمن‌های صنفی بود. در هر دو تجربه در اصفهان بازخوردی مبنی بر نگرانی مردم از پذیرش این مسوولیت‌ها وجود دارد. مردم عمری عادت کردند که فقط دولتی‌ها کار کنند و مردم نق زن امور باشند این عادت توی بقیه قسمت‌های اجتماعی و لایه‌های اجتماعی جامعه هست. مردم منتظر هستند و هیچ کاری نمی‌کنند، انتظار داریم که کشاورزها خودشان کنتور بگذارند و گشت بگذارند. مثلاً در تشکل آب‌بران شهرضا با این تشکل یک قرارداد بسته شد که فقط اطلاع رسانی توسط تشکل انجام بشود ولی آنها با تردید به اهداف ما نگاه می‌کردند و اعتمادی وجود نداشت و هنوز هم به جایی نرسیده است. این مشکلات اجتماعی جامعه ایرانی است. شما که می‌گویید باید رویکرد اجتماعی را تغییر بدهیم اگر توانستید رویکرد جامعه را تغییر بدهید رویکرد در بخش آب را هم می‌توانیم تغییر دهیم. این ایده‌ال‌های ما هست که یک مشارکت دو طرفه باشد ولی الان نیست. ما نیاز به یک سری جامعه‌شناس قهار نیاز داریم که زبان ما مهندسين را به مردم بشناسد و زبان جامعه را به ما مهندسان ترجمه کنند.

کارشناس‌های آب در آب منطقه‌ای‌ها به بحران آب زیرزمینی اعتقاد قلبی ندارند. توی بحث کنتور اصلاً اعتقاد نداشتند. اگر یک سالی توی بحث آب زیرزمینی و تعادل بخشی توفیق پیدا می‌کردیم به این خاطر است که گزارشات دست کاری می‌شد. برای اینکه بازخورد مثبتی به تهران منعکس شود که توی این کار داریم موفق می‌شویم. نکته آخر، هرچه آب مفت باشد و ارزان راه به جایی نمی‌بریم ما تا بحث اقتصاد آب را حل نکنیم و اقتدار حاکمیتی را اینجا نیاز داریم که تبعات اجتماعی مربوطه را لایه‌های سیاسی قبول کنند این مسائل را نمی‌توانیم حل کنیم.

• آقای ابراهیمی لویه، جامعه‌شناس و صاحب‌نظر مسائل اجتماعی

خاطرم هست در سال ۸۳ آقای میبیدی، آقای دکتر ازکیا مدیریت گروه مطالعات توسعه روستایی، مهندس ازغدی و من در موسسه تحقیقات آب، سلسله جلساتی داشتیم. جلسه اول مهندس میبیدی تشریف آوردند انجمن جامعه‌شناسی و قرار بر این شد که مطالعاتی از لحاظ فرهنگی و اجتماعی بر روی آب زیرزمینی انجام شود ولی نشد.

طبق گزارشی که دوستان ارائه دادند در ۴۷ سال اخیر مخازن آب زیرزمینی با کسری ۱۱۰ میلیارد مترمکعب مواجه شدند که ۳۸ میلیارد مترمکعب آن متعلق به دوره ۸ ساله اخیر است. سال ۸۴ در موسسه تحقیقات آب بر روی تدوین دستورالعمل دشت‌ها کار می‌کردیم. گفتند که ۲۲۰ دشت از ۶۲۰ دشت ممنوعه بحرانی است امروز می‌گویند ۳۳۰ دشت ممنوعه بحرانی است. بحث اعتماد بین دولت و مردم را مطرح کردید در یک دوره ای در یکی از دشت‌های ایران با مشارکت مردمی که دفتر مشارکت‌های مردمی وزارت نیرو خیلی فعال بود یک شبکه آبیاری و زهکشی را احداث کردند، زمان بریدن باند وزیر را دعوت کردند که باند را برید و افتتاح کرد، یکی از جوان‌ها اعتراض کرد که این کاری بود که ما زحمت کشیدیم باید یکی از ماها این را افتتاح کند نه وزیر. تا جایی که من خبر دارم این جوان را ۶ ماه گرفتند و بردند زندان و تا جایی که یک کارشناس از دفتر مشارکت‌های مردمی وزارت نیرو از وزیر مربوطه وقت گرفت و از او خواهش کرد که این جوان حرفی نزده و شما ببخشید تا از زندان آزاد بشود.

ما در یک دوره می‌آییم آن چنان بی‌اعتمادی بین مردم به وجود می‌آوریم و در یک دوره دیگر می‌آییم و مردم را به حال خودشان رها می‌کنیم و این رها کردن مردم چنان ویرانی از نظر منابع آب زیرزمینی به وجود می‌آورد.

بعد از این همه ویرانی یک طرح نوشتیم که می‌خواهیم هم اعتماد ایجاد کنیم و هم می‌خواهیم مردم را مشارکت بدهیم. طرحی که تدوین کردیم شامل پروژه‌های مربوط به وزارت نیرو، نصب تجهیزات اندازه‌گیری، خرید چاه‌های کم‌بازده و... پروژه‌های وزارت کشاورزی: به روز نمودن سند ملی، پروژه‌های مربوط به زمین‌شناسی: پهنه‌بندی مربوط به خسارت نشست. کجا آمده‌ایم که یک نهادی را متولی کنیم که آموزش، آگاه‌رسانی، اطلاع‌رسانی و... را در بین مردم انجام دهد.

این رویکرد همچنان نگرش سخت‌افزاری نسبت به این مسئله دارد. واقعیت این است که جامعه ما از نظر ذهنی مشکل دارد نه از نظر نصب کنتور و این از نظر ذهنی نه فقط در ذهن مردم جامعه بلکه در مدیران جامعه و در سطح کلان جامعه ما هم هست. حالا ما چطور از مردم می‌خواهیم که اعتماد کنند و بیایند در یک برنامه کانالیزه شده فعالیت کنند.

این کار بسیار سنگین و مشکلی هست. چه چیزی می خواهد؟ آقای اسفندیاری می فرمایند که بسیج توده‌ای می خواهند من یاد عامه مردم می افتم در حالی که این موضوع عزم ملی می خواهد عزم ملی در سطح کلان کشور. الان وقت مصلحت اندیشی نیست الان باید حرف را زد یکساله در اخبار ساعت ۷ و ۹ این مطلب رو به مردم بفهمانیم. این طرح از نظر الگویی یک طرح سخت افزاری است. بنابراین ۳۲۶ میلیارد تومان که نه اگر ۸۰۰ میلیارد هم در نظر بگیرید. تا وقتی که روی ذهنیت مردم کار نشود جامعه درست نمی شود و این پولی است که از بیت‌المال مملکت هزینه می شود مثل همه این سالها که هزینه شده است و به ویرانی رسیده است که همه شاهد آن هستیم. عزم ملی این است که از بیت رهبری نامه زده بشود به همه امام جمعه‌های شهرستان ها و بگویند که این موضوع را مطرح کنند، صدا و سیما این را مطرح بکند و سایر جاها، تا ما ذهنیت مردم را تغییر بدهیم. نه اینکه نصب کنتور بکنیم.

• آقای حسین زراعتکار، مدیر گروه مطالعات آب زیرزمینی شرکت آب

منطقه ای کرمان

یک روزی امیدوارم این اتفاق بیفتد که میزان برداشت از آب زیرزمینی در دشت ها متناسب با میزان آب تولید شده در این دشت‌ها انجام بگیرد. برای رسیدن به این نقطه باید میزان مجوزهایی که داریم را بررسی کنیم و آنها را متناسب با موجودی آب تقلیل بدهیم. کار دوم را که باید انجام بدهیم باید روزی برسد که بر روی مجوزها نظارت داشته باشیم و به مردم بگوییم که همین مقدار باید برداشت بشود. بخش سوم باید برای ما مهم باشد که میزان مصرف معادل با تولید باشد و مردم هر جوری که دلشان خواست از آب استفاده کنند و بازار واقعی آب شکل بگیرد. من احساس می کنم که برخی از پروژه‌های طرح تعادل بخشی در راستای این سه کار هست و برخی نیست.

• آقای سید احمد علوی:

استاندار کنونی کرمان فرمانده جنگ بوده که بعد از اتمام جنگ وارد بخش خصوصی شده‌اند تا پارسال که وارد استانداری کرمان شدند. در جلسات شورای عالی آب استان از ۱۴ جلسه ۹ جلسه مدیران و بخش خصوصی بوده و ۵ جلسه تاکید داشتند که فقط بخش

خصوصی در این جلسه صحبت کنند و رویکرد مدیران استان را راستی‌آزمایی کنند. در انتهای سلسله جلسات آقای رزمی حسینی از ایده پلیس آب به همیار آب تغییر نظر دادند و اشاره کردند تا زمانی که مردم از ما نخواهند ما اقدام به اجرای طرح تعادل‌بخشی نمی‌کنیم و از ساده‌ترین آن هم شروع می‌کنیم و باید مردم و فرمانداران استان درباره پلمپ کردن چاه‌های غیرمجاز تفاهم داشته باشند.

• خانم طیبه آریان (مدیر دفتر بررسی‌های اقتصادی شرکت مهاب قدس)

آقای میبیدی علی‌رغم تمام مشکلاتی که برای مسائل بلندمدت وجود دارد ولی حداقل مطالب مورد نظر در این طرح را باید یک نوع دسته‌بندی کنید از نظر کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت. آقای مهندس نخعی اشاره کردند که اندیشکده راه کار ارائه نکردند ولی به نظر من در جمع بندی گزارش راه کار ارائه شده است و وقتی اشاره می‌شود که مستندسازی مختصر است یعنی اینکه باید مستندسازی کافی شود و ارزیابی از گذشته روشن باشد و همچنین در سایر امور. مثلاً در مورد اینکه نظرات کارشناسانه محدود استفاده شده است. اگر دوستان قبول دارند راه کار این است که چطوری مشارکت کارشناسان آب زیرزمینی باید بیشتر شود. ولی اینطور نیست حتی در ارتباط با برنامه توسعه ششم ما هنوز هیچ درخواستی ندیدیم و همچنان کار در اتاق‌های دربسته و توسط همان آدم‌های گذشته در حال انجام است. حتی همین تجربه تشکل شهرضا برای اولین بار به گوش من رسیده است در حالی که من توده مردم نیستم و درگیر این موضوع هستم چه برسد به مردم. یا اینکه شما می‌فرمایید کارشناسان آب زیرزمینی اعتقادی به بحران ندارند این خیلی مهم است یعنی بیرون بخش آب را رها کنید داخل بخش آب را دریابید. پیشنهاد من این است که دوستان روی جمع بندی اندیشکده تامل کنند و به زودی جواب ندهند. جواب آنها قانع کننده نیست که می‌گویند باید ضربتی عمل کنیم و نمی‌توانیم صبر کنیم و بلندمدت تصمیم بگیریم.

• آقای کاوه معصومی، پژوهشگر مسائل اجتماعی آب

این دهمین جلسه‌ای است که من می‌روم و با آداب خاصی همیشه بخش محدودی و در بدترین زمان ممکن که همه خسته شدند تازه نوبت به کسانی می‌رسد که مقام نیستند، فقط

مقام نیستند. من واقعا تعجب می‌کنم که آقای اسفندیاری چه گونه حرف از تغییر اجتماعی می‌زند بعد ما دوباره همان رویه قبلی را در رفتارمان انجام می‌دهیم. من خیلی محدود صحبت می‌کنم چرا که حرف قابل عرضی برای این جمع ندارم. من فکر می‌کنم که جایی که اندیشکده ایستاده قاعدتا نزدیک هست به یک جریان روشنفکر نوآر و لی تمایلات بسیار قوی و عاداتی هم در آن وجود دارد که نمی‌گذارد از این چسبندگی و دلبستگی و نگاه به این سیستم‌های جذاب دولت کم کند و به طور عمیق و همه جانبه یک سمت دیگر را هم نگاه کند. این را برای این می‌گویم که یک جریان نوآر روشنفکر یک ویژگی دارد و آن اینکه نقاد است نقاد به همه چیز. از آدم نقاد نخواهید که راه‌حل بدهد معمولاً نقد می‌کند ولی جریان روشنفکری در جریان نقد و گاهی در برهه‌هایی موفق می‌شود تولید نظریه کند. اصلا ما نظریه توسعه نداریم. مثلا در این ادبیات آب دارند درباره بازار آب صحبت می‌کند با رویکردهای به شدت لیبرال با یک تصویر به شدت کلاسیک از یک اقتصاد بازار رقابتی. یک بخش دیگر آن یک نگاه کاملا سوسیال دموکرات به امر مشارکت دارد. بخش دیگرش نگاه دموکراتیک دارد که اول باید مقامات را قانع کرد و بعد رسید به کارهای دیگر. من روز اولی که با این نهاد آشنا شدم خیلی دلبسته شدم ولی الان متوجه شدم که بد فهمیدم. من فکر می‌کردم که می‌خواهد یک جریان مهمی را ایجاد کند که حرفهایی بزند که قبلا گفته نشده است. در حالی که دارد نظریه می‌سازد و نظریه ای که از هر گوشه اش ۳۰ تا سوال بیرون می‌آید. هنوز عنوان نظریه برایش ساخته ولی من باور کردم که آنچه در قالب اسلایدها توسط آقای اسفندیاری ارائه شد یک شاکله و یک چارچوب اولیه‌ای از یک نظریه سرزمینی در باره مدیریت آب در ایران است ولی چون باکس‌های مهمش خالیه خیلی به نظر کلیات می‌آید.

ولی اگر این باکس هاش پر بشود هرکس جرات نمی‌کند راجع به حوزه اجتماع آن حرف بزند و هر کس نمی‌تواند اقتصاد را اینقدر خفیف کند و تا سطح بازار و قیمت گذاری پایین بیاورد. وقتی که این چارچوب کلی را می‌بینیم بزرگان می‌گویند که این چارچوب خیلی کلی هست و رهایش کنید. اما در ابتدای تنظیم یک نظریه هیچ گاه آن نظریه را نباید با یک کارگزار دولتی و حتی کشاورز مواجه کرد. برای اینکه این دوستان در لحظه به سر

می‌برند و فاصله از مدیران قبلی خودشان قطعا ناچیز است. ما وقتی از این دوستان دعوت می‌کنیم حداقل از این دوستان بخواهیم که به این رویکرد بیوندند دنبال راه‌حل بودن خیلی زود است. مشکل ما این است که فکر می‌کنیم که باید به سراغ راه حل برویم. در صورتی که ما مسئله را درست نفهمیدیم و چارچوب مفهومی و منطقی و یک مدل نظریه نداریم. یک بلبشوی نظری وجود دارد و هیچ کس هم احساس نیاز نمی‌کند. همه دنبال راه حل هستیم.

از دستگاه دولتی و کارگزار نخواهید که راه حل بدهند آن‌ها همان کاری می‌کنند که قبل می‌کردند با یک کمی بهتر یا بدتر. به گونه‌ای که چارچوب‌های اداری استحکام یافته و سیاست‌های قوی و قدرت‌های بالا از آنها می‌خواهند.

من اعتقاد دارم که آقای اسفندیاری باید ده‌ها مترجم کنار خود بگذارد که این چارچوب برای جامعه درست ترجمه بشود. حرفهای ایشان در نهایت جوابش این نباشد که ما راه حل فوری می‌خواهیم. من معتقدم که آقای مهندس میبیدی به راه حل استراتژیک فکر میکند. ولی راه حل استراتژیک توی خلا شکل نمیگیرد. بر پایه بنیادهای نظری شکل می‌گیرد. ما به این گفتگوها پیوستیم برای این که کم کم از جنبه مردم‌شناسی، سیاست، ارتباطات و ... به شکل دادن چارچوب نظری برسیم ولی متأسفانه با بی‌حوصلگی تمام شروع کردیم پیشنهاد دادن به دستور اجرایی. در حالی که دست ما خالی است. وقتی با این چارچوب آقای اسفندیاری مواجه شدم، در حالی که باکس هاش پر نیست و به نظر می‌آید که ترجمه شده است، ولی اگر بیاید مثلاً جنبه اقتصاد سیاسی آن تکمیل بشود و بگویند که جامعه ایرانی چه جامعه‌ای است.

درباره دولتی حرف می‌زنیم که وجود ندارد. کدام دولت؟ دولت را چه کسی نمایندگی می‌کند؟ من معتقدم هستیم که تا وقتی منافع همسو نیست چرا حرف از مشارکت می‌زنیم، منافع ناهمسو است و متأسفانه تنها چیزی است که غریب مانده منفعت عموم است.

• آقای عزیزالله عربی (صاحب‌نظر مسائل اجتماعی):

اگر کاربردی‌تر به مباحث نگاه کنیم سهم عمده مشکلاتی که در حوزه آب در کشور ایجاد شده متوجه نهادهای رسمی و دولتی بوده است. حداقل بعد از انقلاب مردم چاه‌های

بی‌رویه‌ای احداث کردند که مجوزش را نهاد دولتی داده است. بنابراین اگر بخواهیم از نظر برنامه‌ای برخورد کنیم دولت مهمترین سهم را در شروع دارد. من اصلاً با این که برویم یک مدیریت مشارکتی ایجاد کنیم مخالف نیستم ولی آن یک روندی اصلاحی و طولانی است چرا که وقتی که با مردمی که نهادهای اجتماعی قوی ندارند و آشفته‌گی در تمام عرصه‌ها به خصوص در نهادهای رسمی و دولت می‌بینیم و مواجه می‌شوید، نیاز به ورود دولت داریم.

مسئله دیگر اینکه فکر میکنید تمام مسائل آب را وزارت نیرو مدیریت میکند؟! اینطور نیست. مثلاً در منطقه غرب کشور و طرح‌های توسعه کرخه بخش عمده توسط سپاه بهره برداری می‌شود. این آشفته‌گی در نظام تصمیم‌گیری باید حل بشود. ما یک مشکلی با اسناد بالادستی داریم. هنوز ما خودمان را سانسور می‌کنیم یا از آن غفلت می‌کنیم.

ما هنوز شعار استقلال و خودکفایی را نقد نکرده‌ایم. خودکفایی معنا ندارد. ولی ما همچنان پایبند آن هستیم. ما باید تکلیف خودمان را با خودکفایی مشخص کنیم. به چه بهایی داریم گندم تولید می‌کنیم؟ ما هنوز شعار میدهیم که کشاورزی بخش اشتغال زاست در حالی که اینطور نیست. ما با هزینه‌های طبیعت و محیط‌زیست اشتغال ایجاد می‌کنیم. ما با روشهای توده‌ای و پوپولیستی هیئت‌های ۷ نفره اراضی ملی را به مردم واگذار کردند. ما اگر می‌خواهیم نهادسازی کنیم دولت مهمترین نقش را در نهادسازی دارد به لحاظ ابزاری که در اختیار دارد و مهم‌ترین نقش را دارد و تکلیف خودمان را با اسناد بالادستی مشخص کنیم.

• آقای محمدابراهیم رئیسی (صاحب‌نظر مسائل اقتصادی)

آقای میبدی هر طرحی که اتفاق می‌افتد یک منفعت به هزینه دارد مثلاً حفر پیزومتر یک منفعت به هزینه دارد یا اینکه کلاً طرح یک منفعت به هزینه دارد که میتواند در اولویت‌بندی این موارد کمک کند. شاید طرح ابتدا برای ساکنین منفعت نداشته باشد ولی در نهایت منفعت داشته باشد. بخش سوم بعضی از این طرح‌های شما به شدت درآمدزاست و شما تا آخر امر نمی‌توانید که وابسته به بودجه دولت باشید و طرح باید پایدار از لحاظ مالی باشد.

• آقای بحرانی (بهره‌بردار بخش خصوصی):

اگر به من بگویند که ۵ ماه دیگر قرار است توافق سیاسی انجام شود و دلار نگیر چرا که ضرر میکنی، من دلار نمی‌گیرم و بازار را هم خراب نمی‌کنم. در مورد آب این اطلاع‌رسانی خصوصاً تو خرده مالک‌ها و حتی عمده مالک‌ها انجام نشده یا خیلی کم است. برای مثال الان آبیاری قطره ای انجام شده طرف نمی‌داند که این آبیاری قطره ای در حدی است که فقط برای حفظ وضع موجود است ولی رفته است ۳۰ هکتار به باغات خود اضافه کرده است. اگر اطلاع‌رسانی به درستی انجام بشود و این خطر را احساس کنند که به راحتی امنیت کشور به هم بریزد و کمی جدی‌تر عمل کنند و ارگان‌ها را بسیج می‌کنند.

مسئله دیگر این که اصلاً نمی‌دانم که چنین تشکلی هست و آمار و ارقامی هست و عمق بحران را نمی‌دانستم. برای مثال در بخش‌داری هر منطقه کارگروهی تشکیل شود و آموزش کشاورزان را بدهند. نکته آخر بحث قوانین است. مثلاً در مورد جابه جایی چاه‌ها که میگویند ۱۰۰ متر جابه جایی و یک قانون کلی صادر می‌کنند و نمی‌آیند بررسی کنند که این چاه باید چقدر جابه جا شود شاید جابه جایی بیشتر از صد متر برای آن مشکلی نیست شاید نباید اصلاً جابه جا بشود.

• آقای طراوت (بخش خصوصی)

آقای مهندس میبیدی، شما نظرات آقای مهندس اسفندیاری را به صورت خاص نتوانستید جواب بدهید. از یک دیدگاه متفاوتی همان مسئله شما را بیان کرده است. دوستانی که در صنعت آب فعالیت می‌کنند از دیدگاه مهندسی حرف حساب زیاد می‌زنند در حالی که مسئله مهندسی نیست و ریشه مهندسی نیست و فقط یک بخش آن مهندسی است. آقای مصطفوی شما سه تا مشکل درباره طرح هاتون اشاره کردید ولی هیچ برنامه ای برای آن ارائه نکردید. آقای میبیدی شما سال ۸۳ طرح را شروع کردید و انجام شد مشکل طرح کجا بود؟ مگر قانون تعیین تکلیف نیامد؟ مگر مدیریت وزارت نیرو عوض شد پروژه منحل نشد؟ شما برای آن قسمت چه برنامه‌ای دارید؟ سوال کردند که شما چه تضمینی دارید که این برنامه به اجرا درآید و به اهداف خود برسد؟ من به صراحت می‌توانم بگویم که

منحنی افت سطح آبخوانها را اگر درست ترسیم کنیم شما دو برهه به شدت افت آب داشتید و با بقیه قابل مقایسه نیست. یکی قانون برقی کردن چاه‌ها است و عمده اضافه برداشت شما مال چاه‌های برقی است چرا که چاه‌های دیزلی به هیچ عنوان از چنین عمقی نمی‌توانند آب استخراج کنند و خود شما این قانون را تصویب کردید. دومی بعد از حذف حق‌النظاره است. چه جوابی برای این دارید؟ من دولت و مجلس را چه کار کنم؟ من واقعا باید جواب بدهم. از نظر مهندسی کار شما خیلی خوب هست ولی مسئله مهندسی نیست. یک سمیناری بود در ترکیه و از سوریه یک نفر اومده بود و میگفت بحران ما در سوریه مربوط آب است نه داعش... خشکسالی شد و بعد ۲ میلیون کشاورز مجبور شدند بیابند حاشیه شهرها و از آنجا داستان‌های امروز سوریه شروع شد. داستان سودان هم همین است.

کشاورز رفته است و کشت سبز اجرا کرده، قاضی حکم میکند شخص مذکور که کشت سبز دارد و باید آب داده بشود، چند بار این حکم را گرفته؟! برای این موضوع چه می‌شود کرد؟ غیر از این است که شما به عنوان مالک آب جایگاه شما اشتباه است اگر قاضی این را بپذیرد که مال دولت نیست که هرجوری دلش خواست حکم بدهد. بلکه مال ۳۰ نفر است که اگر به یکی مجوز داد به این معنی است که از بقیه دزدیده می‌شود.

نکته آخر، آقای اسفندیاری من علی رغم ارادتی که به شما دارم اینطوری هم خوب نیست در کشور آمار داد. ایا همه دشت‌های ما این شکلی هست؟ توی این وضعیت کشور با این وضعیت قوانین و مدیریت کلان وزارت نیرو به خصوص در دوره گذشته همه دشت‌ها این شکل بوده یا دشت موفق هم داشتیم؟ کم بوده ولی می‌شود یک کارهایی کرد توی این وضعیت. مثلا دشت محولات در خراسان مردم آمدند و جمع شدند و درخواست کردند که بر روی چاه‌ها کنتور نصب بشود. این در سال ۸۶ حدود ۳۰۰ کشاورز در این دشت جمع شدند و درخواست کنتور دادند. دشت جهرم همینطور همه کشاورزها آمدند و درخواست دادند. راستش ما توی کشور ۶۰۰ تا دشت داریم اگر میشود برویم فقط یک دشت را بگیریم احیا کنیم و اینقدر کلیات را حرف نزنیم. زور ما به دولت و مجلس و دیگر ارگانهای شبه اقتصادی نمیرسد ولی اگر میتونیم یک دشت را احیا کنیم برویم بکنیم.

• آقای سید احمد علوی:

اگر می خواهیم نهادسازی کنیم دولت مهمترین نقش را دارد و لازم است اسناد بالادستی را اصلاح کنیم. من با این رویکرد موافقم ولی باید قدرت اثرگذاری خودمان را ارزیابی کنیم اول اینکه این خود کیست و بعد قدرت اثرگذاری آن چه حد است؟ این اتاق فکری که آقای میبدی تجهیز کردند میتواند همین چارچوب و مدل را کنار دست خود بگذارد. به نظر می رسد برای اینکه هم افزایی کنیم همین سوالات بهترین عناوین پژوهشی است، دست اتاق فکر که بازوی فکری شما هستند بدهید. ولی همچنان معتقد هستم که ما بدون یک چارچوب نظری در حال کار هستیم ولی از نتایج آن بی خبر هستیم.

• آقای جواد میبدی:

دوستی فرمود که چرا میخواهید اول پیزومتر نصب کنید؟! برای اینکه اطلاعات ما ناقص است و وقتی اطلاعات ما کامل نباشد نمیتوانیم تصمیم بگیریم. ما هنوز نمی دانیم که کسری مخزن ما دقیقا چقدر است. این همه سد خالی داریم برای اینکه اطلاعات ما اشتباه بوده است.

دوستی گفتند که چرا از خبرگان استفاده نمی شود؟ برای هر پروژه ما حداقل از ۱۰ یا ۱۵ نفر خبره بهره بردیم و در کل حدود ۳۰۰ نفر بهره گرفتیم که حداقل ۴۰ درصد آنها بخش خصوصی مثل انجمن ها، تشکل ها و صنعت آب بودند و مابقی دانشگاه ها و سایر ارگان ها. ما در طرح تعادل بخشی در سال ۸۳ بعد از اینکه تشکل ها را راه اندازی کردیم به مشکل تنفیذ اختیار برخورد کردیم. هیچ ارگانی حاضر نبود به این تشکل اختیار واگذار کند. چرا که مدیر دولتی نقش تسهیلگری را ایفا نمی کرد بلکه می خواست اختیار داشته باشد و تصمیم بگیرد.

دوستان می گویند که ما باید اطلاع رسانی کنیم و نکردیم. باید بگویم کشاورز بهتر از ما و شما می داند که بحران آب وجود دارد چرا که دارد کفشکنی می کند، ولی می گوید که اگر من بر ندارم دیگری بر میدارد. میگوید که وزارتخانه جلوی همه را بگیرد یا جلوی هیچ کس را نگیرد.

• آقای محمدابراهیم رئیسی:

به نظر من مبانی اقتصاد در برابر مبانی جامعه شناسی این طرح ضعیف است.

• آقای جواد میبیدی:

قانون تعیین تکلیف یکی از بهترین قانون است. البته از اول این طور نبود ولی بعد از سه بار برگشت به مجلس بهتر شد. اگر قانون در وزارت خانه اجرا می شد تمام چاه‌های غیرمجاز باید بسته می شد ولی در عمل وازدگی مدیران ارشد وزارتخانه و فضای سیاسی جامعه چنین اجازه‌ای را به هیچ کس نمی داد. یعنی قانون خوب بود ولی عزم ملی وجود نداشت. من اعتقادی ندارم که پروژه‌های طرح جدید تعادل بخشی سخت افزاری است فقط دو تا از پروژه‌ها سخت افزاری است. یکی گشت و بازرسی و دیگری کتورها و دیگری تغذیه مصنوعی... ولی تشکل آب‌بران، فرهنگ‌سازی و سایر پروژه‌ها سخت افزاری نیست.

• آقای انوش نوری اسفندیاری:

برای اینکه توضیحات جمع بندی کامل تر باشد یک نکته را اشاره می کنم. ما وقتی صحبت از برنامه‌ریزی می کنیم این برنامه‌ریزی یک چارچوب دارد. در این چارچوب هدف‌ها و سیاست‌ها در کلان‌ترین شکل آن قرار دارد و بعد می‌آید در سطح استراتژی‌ها و بعد برنامه عمل. موضوع بحث ما توجه به قبل از سیاست‌ها و هدف‌گذاری‌ها که رویکردها باشد، دارد. بنابراین بحث ما خارج از برنامه عملیاتی بود و دوستان انتظار نداشته باشند که راجع به این برنامه‌های عملیاتی حرف بزنیم. این موضوع خیلی مهم است که ما قبل از اینکه جدولی از برنامه‌ها را تشکیل بدهیم ببینیم رویکرد ما چیست. بحث اساسی روی مشارکت مردم و درگیر کردن مردم است. تمام قوای کشور باید درگیر بشوند اعم از بخش خصوصی و مردم و نهادهای دولتی و نهادهای مدنی تا اینکه ما بتوانیم این کار را انجام دهیم. ولی ما به دلیل اینکه نمی‌توانیم تصویر شفافی و روشنی و تکان دهنده‌ای را خیلی خوب نشان بدهیم نمی‌توانیم زیاد امیدوار باشیم که این مسئله اتفاق بیافتد. یک سری موانع سر راه این هست که اینجا به چندتا اشاره شده است.

دومین موضوع توضیح مشارکت است. گفتیم که انتظار ما از مشارکت این است که یادگیری جمعی اتفاق بیفتد، مفاهیم مشترک خلق بشود و این مفاهیم پایه سرمایه اجتماعی باشد، مفاهیم مشترک مثل خاطره مشترک می باشد. چطور خاطره مشترک انسانها را به هم نزدیک می کند. به همین شکل هم باید مفاهیم مشترک خلق بشود. در اساس گفت و گو یک آدابی دارد. مهمترین آداب این است که شما سعی نکنید که راه حل های غالب را به طرف مقابل تحمیل کنید. سعی کنید که این ها مشترکا خلق بشود. کار سختی هست. دو تا کلیدواژه گفته شد که من اینها را تا آخر بحث ها نگه می دارم. یکی اینکه می خواهیم میان بر بزیم مثل آن هموطنان که دیر به شهر او آمدند و زودتر می خواهند پول دار بشوند. دوم اینکه می خواهید از راه دیگر غیر از شکاف ها و خلاهایی که توی سیستم وجود دارد و تغییرات اجتماعی ایجاد اقتدار کنید.

• آقای جواد میبیدی:

من قبول دارم که اقتدار فقط از طریق مدیریت مشارکتی ایجاد می شود.

• آقای انوش نوری اسفندیاری:

سومین موضوع اینکه مشارکت فراتر از مدیریت مصرف باشد. یعنی اینکه تکیه شما این نباشد که فقط تشکلهای را درگیر موضوع بکنید و مشارکت جو بکنید. بلکه تمام نهادهای مدنی و مردم بسیج شوند که هم از مصالح ملی حمایت کنند و هم بر مصالح ملی نظارت کنند. ولی قبل از آن باید تعریف شود که مصالح ملی چیست؟ این مصالح تعریف نشده است. حالا شما چه راه میانبری دارید که می خواهید مصالح ملی را تعریف کنید و با چه راه میانبری می خواهید این نظارت را بر مصالح ملی ایجاد کنید؟ شما یادتان هست که در قانون تعیین تکلیف اگر زور و فشار از بیرون و جامعه نبود خیلی از اصلاحات در این قانون تحقق پیدا نمی کرد. بنابراین راه حل همین است. اگر راه حل میانبر دیگری است بفرمایید. وگرنه به گفته آقای طراوت ما به بیان دیگر داریم یک حرف را می زنیم.

• آقای جواد میبیدی:

شما دو راه دارید یا ابتدا بحث مدیریت مشارکت ایجاد بشود که توی ژاپن اشاره کردم...

• آقای انوش نوری اسفندیاری:

آن تصویر که از ژاپن می‌گویید می‌تواند چشم انداز ما باشد. ما الان چشم انداز طرح نمی‌کنیم، ما می‌گوییم که ژاپن چشم انداز ما، ولی الان کجاییم؟ نمی‌دانیم که کجاییم. یکی از اشکالاتی که به این طرح وارده این است که دست‌اندرکاران این طرح شناخت واقعی از جامعه و گرایش‌های جامعه ندارند. بنابراین باید وضع موجود را بشناسیم، چشم‌انداز را هم بشناسیم. این از اصول برنامه ریزی است. نمی‌گوییم که وضع موجود چشم‌انداز است. از اینجا تا چشم‌انداز ما یک چیزی می‌خواهیم که به آن می‌گوییم نقشه راه. ولی این سوابقی که شما به ما دادید به ما این را نشان نمی‌دهد که شما چشم‌اندازی در نظر گرفتید یا نقشه راهی دارید.

• آقای جواد میبیدی:

شما گفتید که ما مستندسازی نداریم، شاید فردا نتوانم به شما مستندات بدهم ولی اگر یک ماه وقت بدهید یک کامیون به شما مستند می‌دهم. اینطوری نیست که ما همینطوری بی‌گدار وارد ماجرا شده باشیم...ممکن است که این را یک جا بدون نکرده باشیم ولی دلیل این نیست که ندانیم که چه خبر است.

• آقای انوش نوری اسفندیاری:

در نتیجه ما توی این برنامه یک چشم‌انداز می‌خواهیم، شناخت وضع موجود می‌خواهیم، نقشه راه می‌خواهیم و نقطه شروع. نقطه شروع بر اساس یک تحلیل از اولویت‌ها مشخص می‌شود. از نظر ظرفیت است. از نظر این است که ما از هدف‌های ساده‌تر شروع کنیم و موفقیت‌ها باعث تشویق و شتاب بیشتر بشود.

• آقای جواد میبیدی:

این طرح را به عنوان یک مدیریت پروژه آورده‌ایم و به فعالیت‌های کوچک تقسیم کرده‌ایم و اولویت‌بندی کردیم ولی هر کدام این مباحث دو ساعت وقت می‌طلبد که تمام جزئیاتش را بیان کنیم...

• آقای انوش نوری اسفندیاری:

چرا این مباحث را شما به صورت تاریخ شفاهی می‌خواهید جلو ببرید!؟

• آقای جواد میبیدی:

اگر بخواهیم این طرح را از ابتدا بیان کنیم حداقل یک روز کامل نیاز است که بگوییم که دقیقا چشم انداز ما چی هست، راهبردها چیست؟ روش شناسی چیست؟ و سایر بخش ها. نقطه شروع چی هست. اینکه وارد دشت شدیم چه کار می خواهیم بکنیم.

• آقای انوش نوری اسفندیاری:

این نشان می دهد که شما حرکت جمعی ندارید...

• آقای محمد علی مصطفوی:

چشم انداز ماده چهار جلسه ۱۵ شورای عالی آب هست که گفته ظرف ۲۰ سال باید به نقطه اول برگردیم...

• آقای کاوه معصومی

سر آن چشم انداز باید بحث کنیم. ظرفیت آن چشم انداز فراتر از یک ابلاغیه اداری نیست. کسی که دارد در این حوزه کار می کند مگر می شود یک تصویر ذهنی از انتظارات و اهداف و اولویت ها نداشته باشد. امکان ندارد و این توی عالم واقع امکان نمی افتد. بحث بر سر مدیریت این دانش هست. من به عنوان بخش خصوصی وقتی که چیزی روی زمین نمی بینم بر سر چه چیزی با شما بحث کنم و تفاهم کنم؟ من که به جلسات شما راه ندارم. مردم که به طریق اولی راه ندارند. وقتی که بحث سر مدیریت مشارکتی هست این هم بخشی از آن هست. من اسنادی تولید کنم که بتوان سر آن مطالب اظهار نظر و نقد کرد...

• آقای انوش نوری اسفندیاری:

من ۱۸ سال توی دفتر برنامه ریزی آب کار کردم. برنامه دوم، سوم و چهارم درگیر بودم. اسناد برنامه سوم مشروح هست آن موقع منتشر شد. یعنی برنامه بر اساس تدوین است چرا که بر اساس حرکت جمعی هست فقط حرکت آقای مهندس میبیدی نیست باید تا تمام استان ها و کارشناس ها بدانند این برنامه چی هست. مردم بدانند تا بعد بتوانند انتظارات خود را با هم تطبیق بدهند. برنامه ای که نصف آن به صورت شفاهی باشد و نصف آن به صورت کتبی باشد. خیلی مشکل دارد.

• آقای جواد میبدی:

این مطالبی که شما گفتید ما هم قبول داریم. من هم قبول دارم که رویکرد ما از حالت دولتی به حکمرانی آب باشد که دولت بیاید کارهای خود را به نهادهای محلی واگذار کند. آنها خودشان برای خودشان تصمیم بگیرند و ما فقط تسهیل‌گر باشیم. شما این را بیان کردید و ما هم اعتقاد داریم. حالا چه جوری به این برسیم؟ حالا دو روش هست، یک روش این است که هیچ کاری نکنیم و فقط مردم را توجیه کنیم و همراه خود کنیم و بعد کار را شروع کنیم.

• آقای انوش نوری اسفندیاری:

بحث ما این نیست. شما می‌گویید که مستندات برنامه‌های عملیاتی را به من می‌خواهید بدهید... من می‌گویم که من برنامه عملیاتی نمی‌خواهم. ما راجع به مستندسازی نقشه راه را بیشتر می‌پسندیم که از وضع موجود تا رسیدن به آن چشم انداز. این را جزو مستندات می‌دانیم و اینکه چند مرحله دارد و هر مرحله چند بخش دارد.

در پایان دو مستنداتی در دو برگ بین حضار توزیع شد. برگ اول حاوی سوالاتی در خصوص طرح تعادل بخشی بود و برگ دوم جمع بندی اندیشکده در خصوص طرح موجود که در ادامه آورده می‌شود:

مستند اول

• سوالات اصلی در بررسی و نقد طرح/برنامه احیاء و تعادل بخشی منابع

آب زیرزمینی کشور

۱. آیا برنامه یا طرح موجود با توجه به تک تک دلایلی که به عنوان ایجاد کننده وضع موجود در برنامه احیاء و تعادل بخشی فهرست شده، تدابیری موثری پیش بینی کرده است؟
۲. آیا در برنامه ششم هم قرار است روند برداشت از ذخایر ثابت آب زیرزمینی کشور ادامه داشته باشد؟ آیا اصلاً دلایل کم اثر بودن تدابیر در گذشته بخوبی شناخته شده؟ اگر

شناخته شده برای رفع موانع چاره اندیشی صحیحی شده؟ آیا تدابیر جدید می تواند به هدف برسد؟

۳. اگر به فرض بهترین تصمیمات اتخاذ شود اما در اجرا به ثمر نرسد چه فایده ای برای رفع بحران آب زیرزمینی دارد؟

۴. چگونه می توان همکاری و همدلی را جایگزین مقابله و مقاومت کرد؟

۵. آیا بدون تغییر اجتماعی میتوان اقتدار لازم را برای اجرای برنامه ها بدست آورد؟

۶. آیا حکمرانی که صرفا بر پایه اجبارهای نظام اداری و فشارقانونی استوار باشد می تواند موثر هم باشد؟

۷. آیا انجام اقدامات بهم پیوسته و یکپارچه به معنی تغییر همزمان همه چیز باید انگاشته شود؟

اندیشکده تدبیر آب ایران

۱۳ بهمن ۱۳۹۳

مستند دوم:

- جمع بندی اندیشکده تدبیر آب در خصوص طرح تعادل بخشی
 - ✓ مستندسازی کار ضعیف و ارزیابی از عملکرد گذشته ناکافی است.
 - ✓ تاکنون از روش های کاملا اولیه (سنتی) برای مدیریت و برنامه ریزی استفاده شده است. تداوم این رویه امیدواری ایجاد نمی کند.
 - ✓ تغییر ایجاد شده در برنامه ها، نشان می دهد امکان تصحیح و اصلاح انتخاب ها اندک بوده و برنامه ها فنی - اداری تر، متراکم تر و متمرکزتر شده است.
 - ✓ کاستی های در ظرفیت برنامه ریزی و اجرا (چه در مرکز و چه در استانها) بسیار قابل تامل و جدی است و استفاده از کارشناسان و نهادهای خارجی در این شرایط نمی تواند چاره ساز باشد.

- ✓ شناخت واقعی از جامعه و گرایش‌ها موجود نیست و تدابیر پیش‌بینی شده نسبت به حساس کردن جامعه کارایی ندارد.
- ✓ مشارکت جامعه باید بسیار فراتر از مدیریت مصرف دیده شود تا عزم نیروی لازم برای بازسازی حکمرانی آب زیرزمینی فراهم شود.
- ✓ برای اثربخشی سیاست‌ها وجوه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به یک تحول درونی نیاز است که کمک‌های خارجی نمی‌تواند تعیین باشد.

پیوست شماره یک: اسامی حاضرین در نشست

| ردیف | نام و نام خانوادگی | تخصص و سمت |
|------|---------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱ | محمد ارشدی | کارشناس اندیشکده تدبیر آب ایران |
| ۲ | طیبه آریان | مدیر بخش بررسی های اقتصادی شرکت مهتاب قدس |
| ۳ | عادل ابراهیمی لویه | جامعه شناس و صاحب نظر مسائل اجتماعی |
| ۴ | آقای بحرانی | بهره بردار بخش خصوصی |
| ۵ | محمد ابراهیم رئیسی | محترم گروه اقتصاد محیط زیست و انرژی شرکت مهندسی مشاور مهتاب قدس |
| ۶ | حسین زراعتکار | مدیر گروه مطالعات آب زیرزمینی شرکت آب منطقه ای کرمان |
| ۷ | محسن طراوت | مدیر عامل شرکت رهروان سپهر اندیشه (تولید کننده کنتورهای هوشمند آب و برق) و فعال بخش خصوصی |
| ۸ | سید احمد علوی | مدیر اجرایی اندیشکده تدبیر آب ایران |
| ۹ | عزیزالله عربی | صاحب نظر مسائل اجتماعی آب |
| ۱۰ | محمد علی مصطفوی | مدیر کل دفتر حفاظت و بهره برداری منابع آب و امور مشترکین شرکت مدیریت منابع آب ایران |
| ۱۱ | جواد میبدی | مدیر کل دفتر نظام های بهره برداری و حفاظت معاونت آب و آبفای وزارت نیرو |
| ۱۲ | کاوه معصومی | پژوهشگر مسائل اجتماعی |
| ۱۳ | آقای نخعی | مدیر گروه مطالعات آب زیرزمینی شرکت آب منطقه ای اصفهان |
| ۱۴ | انوش نوری اسفندیاری | عضو اندیشکده تدبیر آب ایران |